

کتاب‌آبی

گزارش‌های محرمانه
وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

جلد سوم

از تاریخ ۱۱ مه ۱۹۰۹ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۰۹

بکوشش احمد بشیری

کتاب آبی

گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس
در باره انقلاب مشروطه ایران

به کوشش و ویراستاری
احمد بشیری

www.adabestanekave.com

جلد سوم

۱۱ مه ۱۹۰۹ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۰۹
۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸ تا ۸ آذر ۱۲۸۸
۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۷ تا ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۷

نشر نو
تهران، ۱۳۶۳

چاپ اول: ۱۳۶۳
تعداد ۱۰۰۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ است.

www.adabestanekave.com

چاپ و صحافی: چاپخانه فاروس ایران

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پرآشوب‌ترین و آموزنده‌ترین دوران‌های تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به‌دلایل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر از این، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به‌درستی نام نبرده و یا سربسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، نارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به‌خوانندگان بشناسانیم. برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمک و یاری خوانندگان آگاه و بیداردل کتاب به‌فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشنگری‌ها و توضیحات تازه خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارک دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام‌خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به‌پس گرفتن مدارک خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیک یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشه شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۳۱۴-۱۱۳۶۵ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شماره ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

احمد بشیری

www.adabestanekave.com

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همه مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطه ایران
را پدید آوردند
همه روانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ما در این راه بودند
نیاز می‌کنم.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱

تلگراف سر ادوارد گری (وزیر امور خارجه انگلیس) به سر بارکلی (وزیر مختار انگلیس مقیم طهران) مورخه یازدهم مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
وزراء جدید ایران.

به من خبر رسیده است که ناصر الملك به عنبر مریض بودن پسرش از پاریس برای مراجعت به طهران امتناع نموده است.

نمره - ۲

از طرف سر بارکلی به سر ادوارد گری، مورخه ۱۱ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.
این تلگراف راجع است به تلگراف ششم مه من (در باب خیال سپهدار).
همکار روس من می نویسد که نفوذ کلام خود را حتی المقدور به سپهدار بکار برده است لیکن مثر ثمری نشده است و گمان می کند که بواسطه عدم رضایت از شاه احتمال دارد از محل اقامتش، قزوین، به طهران حرکت نماید.

من مستقیماً اطلاعی از عقیده سپهدار ندارم لیکن اگر اظهارات همکار روس من صحت داشته باشد يك اقدام از طرف سفارتین متحداً بهترین طریقی از برای حاصل نمودن صلح طرفین خواهد بود.

نمره - ۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.
عجالتاً ما باید منتظر حوادث بشویم و محتمل است که اگر بحران به صلح انجامد ناصرالملک مراجعت نماید و تا زمان مراجعت او سعدالدوله کفیل ریاست وزراء خواهد بود (این تلگراف راجع است به تلگراف دیروز من).

نمره - ۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.
همکار روس من به من اطلاع می‌دهد که دوهفته بتوسط یکی از نایبهای سفارت در قزوین با سپهدار مذاکره و به او گوشزد نموده است که شاه تمام خواهشهای ملتیان را قبول کرده است و همچنین اصرار نموده است که سپهدار جلوگیری از پیش آمدن رولوسیونها [= رولوسیونر]ها نکند.
در طهران تنفر از تعهدات شاه در تزايد است و این بیشتر بواسطه عدم اعتماد عموم مردم از شاه است نه بواسطه بعضی از مواد فرمان که اسباب عیبجویی شده است و سوای تبریز و قزوین از سایر بلاد اطلاعی از قبول کردن شاه خواهشهای ملتیان را، نداریم.

نمره - ۵

تلگراف سر نیکلسن سفیر کبیر انگلیس در سن پترزبورغ به سر ادواردگری مورخه ۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

دولت روس کمک پولی را به دولت ایران مضموم شده است که قسط اول استقراض را پنجاه هزار لیره نماید. «مسیو چریکف» می‌گوید که مسیو سابلین پیشنهاد نموده است که صد هزار تومان این وجه را به حقوق عقب‌افتاده قشون ساخو طهران بدهد و صد هزار تومان دیگر را به قشونی که همراه عین‌الدوله بوده است بدهد و بعد از پرداخت پول

قشون ابوابجهمی عینالدوله را مرخص نماید و مبلغ پنجاه هزار تومان هم به وزارت خارجه بدهد.

نمره - ۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۲ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران. ممکن است در یکی دو روز دیگر قشون بحری را از بوشهر مراجعت داد بدون اینکه احتمال خطر برای اتباع خارجه داشته باشد بواسطه اینکه عجالتهاً اوضاع آنجا خوب است.

نمره - ۷

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۱۳ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۲ ع ۲ - ۱۳۲۷] وزارت خارجه لندن.

حرکت ملتیان از رشت

دولت اعلیحضرتی تصویب می نماید پیشنهادی را که شما در این ماه تلگراف نموده بودید.

شما می توانید که با همکار روس خودتان متحداً با سپهدار مذاکره نمائید و بعلاوه به او گوشزد کنید که البته ملتیان باید از فرمان شاه راضی بشوند و به او اصرار نمایید که قبول بکند. به او بگویید که اگر شاه خواست برخلاف قول خودش عمل نماید و اصلاحاتی را که او قول داده است بموقع اجراء نگذارد نماینده دولتین به آن اعلیحضرت همراهی نخواهند نمود.

نمره - ۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

تبریز

راجع به تلگراف دهم مه من، تلگراف ذیل از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز به من مخابره شده است.

بموجب دستورالعمل کتبی، ما دیدنی از انجمن نمودیم. انجمن نماینده به شرق آنر بایجان برای اطفاء حرارت آن نقاط فردا خواهند فرستاد. امروز تلگرافی به شاه نموده اند و اظهار تشکر از تعهدات شاه کرده اند. خیلی مایل به صلح تام هستند.

نمره - ۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.
شاه و ملتیان

تقریباً تمام متحصنین سفارت عثمانی از سفارت خارج شدند و امروز احتمال کلی دارد که صلاح بشود. شاه به نظر همراه می‌آید و تا به حال هم وزراء در امورات بد رفتار نکرده‌اند. کمیته‌ای که برای ترتیب قانون انتخابات بتازگی تشکیل شده است روی هم‌رفته بد نیست. مذاکرات دوستانه راجع به تعیین حاکم تبریز مابین اهالی و وزراء در جریان است. وزیر امور خارجه سپهدار را نسبتاً ملایم‌تر مشاهده می‌نماید.

در خصوص استقراض روس مسیو سبلن [= سابلین] مطمئن است که این پول برای پرداخت و خلع سلاح نمودن قشون غیرلازم و همچنین برای پرداخت حقوق عقب‌افتاده سایر قشون بمصرف خواهد رسید و باین طریق تخفیف در اغتشاش حاصل خواهد شد و نه این است که در واقع همراهی با مستبدین بشود.

نمره - ۱۰

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری مسیو چریکف امروز به من اطلاع داد که ملتیان تبریز اسلحه خود را تسلیم می‌نمایند و همچنین رولوسیونر [= رولوسیونر] های روس را هم مجبور به خلع سلاح می‌نمایند و گفتند که بهبودی زیادی در اوضاع تبریز حاصل گردیده است.

نمره - ۱۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ.

مسیو چریکف اظهار داشت که به شما پیشنهاد بکنم که از طرف سفرای کبار روس و انگلیس دستورالعملی به ژنرال قنسولهای خودشان مقیم بغداد فرستاده بشود که بموجب آن دستورالعمل ژنرال قنسولهای مزبور مشغول مذاکره با علمای نجف شده که از طرف علما نصیحتی به اهالی ایران بشود باین مضمون که مردم ضدیتی با شاه نکنند و بطور دوستانه قولهایی را که راجع به برقراری مشروطه داده است بپذیرند و بعلاوه از طرف علماء کمکی هم در خصوص اصلاحاتی که شاه در خیال دارد بشود.

نمره - ۱۳

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ [۲۴ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

بوشهر

(راجع به تلگراف شما)

مراجعت قشون بحری را از بوشهر اجازه بدهید.

نمره - ۱۳

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ [۲۴ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

آنقدری که من اطلاع حاصل کردم دولت روس بتوسط سفیر کبیر خودش در لندن گمان می کند حالا که شاه مشروطه را قبول نموده است استقراضی داده بشود که دولت ایران بتواند اصلاحات را مجری بدارد. من به او اطلاع دادم که اگر دولت روس گمان می کند که این استقراض لازم است ما ضدیتی نداریم لیکن تا مدتی که مجلس این قرض را قبول نکند ما قسمت خودمان را از این استقراض چهار صد هزار لیره نخواهیم پرداخت.

نمره - ۱۴

کاغذ سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۰ مه ۱۹۰۹ [۲۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ (۱۵ مه به لندن رسیده است). آقا

من مسیو چریکف را متذکر نمودم در هشتم این ماه که از قرار مذکور دولت روس خیال اعزام قشون برای محافظت راه رشت و طهران را دارد. من اظهار امیدواری نمودم که خوب است در هر صورت دولت روس بدو منتظر نتیجه در تجدید به اقدامات نظامی بشود بجهت اینکه از قرار اطلاع ما عجالتاً راه باز است و فرستادن قشون ممکن است که صورت دخالت را پیدا کند. مسیو چریکف گفت که او می خواهد يك قشونی در بادکوبه حاضر نگاه دارد و در رشت و مابین راه معلوم کند که اگر راه بسته بشود قشون به ایران وارد خواهد شد.

امروز صبح کاغذ خصوصی از جناب ایشان به من رسید که در آن کاغذ به من اطلاع دادند که دولت روس مصمم شده است که عدهای قزاق در بادکوبه حاضر نگاهدارد که در صورت لزوم استعدادی به گارد رشت داده و همچنین راه طهران و بحر خزر را نگاه دارند. نظر به اینکه مذاکرات نماینده ما با شاه جریان خوبی حاصل نموده است امیدواریم

که اعزام قزاقهای مزبور لازم نشود.

(امضاء نیکلسن)

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ مه ۱۹۰۹ [۲۵ اردیبهشت ۱۲۸۸؛
۲۴ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

رولوسیونرها در قزوین

(راجع به تلگراف ۱۴ مه من).

وزیر امور خارجه به من و همکار روس من اطلاع داد که او از خیالات سپهدار راضی نیست.

نمره - ۱۶

تلگراف سر بارکلی به سرادواردگری مورخه ۱۵ مه ۱۹۰۹ [۲۵ اردیبهشت ۱۲۸۸؛
۲۴ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

از طرف اهالی تبریز و قزوین و رشت و اصفهان استدعای عاجلانه به وزراء رسیده است که اقدامات برای رفتن قشون روس بنمایند.

سعدالدوله به من گفت که مداومت اقامت قشون روس اسباب جلوگیری از اصلاح طرفین خواهد شد بجهت اینکه مردم گمان می کنند که این قشون به اجاره شاه آمده اند و گمان می کرد که بردن قسمت زیادی از قشون (بقدر اینکه ششصد نفر در شهر و چهارصد نفر در راه بماند) اسباب این می شود که مردم باور خواهند کرد که اقدامات روس موقتی است و اسباب اصلاح خواهد شد. وزیر امور خارجه گمان می کرد که حالایک اندازه زود است که رفتن کلیه قشون روس خواهش بشود لیکن بعد از تعیین حاکمی برای تبریز دولت این خواهش را خواهد نمود.

اجلال الملك که یکی از ملتیان معروف آن شهر است به خواهش اهالی تبریز به نایب الحکومگی منصوب شده است.

نمره - ۱۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ مه ۱۹۰۹ [۲۶ اردیبهشت ۱۲۸۸؛
۲۵ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

گمرکات بوشهر

(راجع به تلگراف ۱۳ مه من)

ترتیب موقتی در خصوص عایدی گمرکات داده شده است که بموجب این ترتیب کلیه

عایدی گمرکات به بانک شاهنشاهی به حساب رئیس گمرکات تحویل داده خواهد شد و مصرف این پول باید به رضایت بانک باشد.^۱

در موقعی که حرکت قشون بحری را رسماً اطلاع دادم شفاهاً یادآوری به سعدالدوله نمودم که اگر طلب و اقساط ماهانه بانک را دولت ایران از مخارج فوری نپردازد نتیجه خوبی برای دولت ایران نخواهد بخشید.

نمره - ۱۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ مه ۱۹۰۹ [۲۷ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

تلگراف ذیل از ژنرال قنصل دولت اعلیحضرتی مقیم تبریز که تاریخ دیروز را دارد برای من رسیده است.

ملتیان اینجا به اصفهان و رشت تلگرافی مخبره نموده‌اند که متضمن نصایح دوستانه نسبت به مذاکرات خودشان با شاه بود. احتمال می‌برد که صمدخان به ساوجبلاغ برای کمک نمودن به حکومت آن محل بر ضد اکراد برود. حکومت ساوجبلاغ درخواست کمک از نایب‌الحکومه تبریز نموده است. برحسب اطلاعی که حاصل نموده [ام] حکومت تبریز از پایتخت درخواست نموده است که سیصدنفر قزاقی که همراه عین‌الدوله بود به تبریز مراجعت دهند برای محافظت تبریز و دولت قبول نموده است.

نمره - ۱۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ مه ۱۹۰۹ [۲۷ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

سپهدار و رولوسیونرها

رئیس ملتیان جواب داده است به مراسله‌ای که بتوسط نایب سفارت روس در قزوین به او رسیده بود. در آن جواب سپهدار اظهار می‌دارد که از قدرت او خارج است که خلع سلاح از شورشیان نماید.

مسیو سابلین گمان می‌کند که تقریباً در قزوین و اطراف ۴۰۰ نفر قفقازی است. او به سپهدار نصیحت کرده است که مراجعت به رشت نماید و بکلی از رولوسیونرها کناره‌جویی کند.

نمره - ۲۰

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن مورخه ۱۷ مه [۲۷ اردیبهشت؛ ۲۶ ع ۲] از وزارت خارجه لندن.

راجع به تلگراف ۱۴ این ماه شمادر خصوص مذاکرات با علمای نجف: خواهش می‌کنم که به کفیل وزارت خارجه اطلاع بدهید که من موافقت به پیشنهاد ایشان می‌کنم.

نمره - ۲۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

بوشهر

راجع به تلگراف ۱۳ مه [۲۳ اردیبهشت؛ ۲۲ ع ۲] من. قشون بحری عودت نمود. نمایندگان دول خارجه در بوشهر موافقتند براینکه اوضاع بوشهر مناسب این اقدام بود و دریابییگی اطمینان داده است به ژنرال قنسول اعلیحضرتی که او می‌تواند از عهده هر اتفاقی و بی‌نظمی برآید.

نمره - ۲۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ مه ۱۹۰۹ [۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

شاه اظهار میل نموده است که عهوی خود ظل‌السلطان را بخواهد و به حکومت اصفهان منصوب نماید. وزیر امور خارجه در موقع پیشنهاد این مطلب از من سؤال نمود که آیا به مراجعت ایشان اعتراض دارید یا خیر. من در این خصوص با مسیو سابلین مذاکره نموده‌ام و به عقیده ما مراجعت ظل‌السلطان موجب اعتراض نخواهد بود در صورتی که به حکومت فارس منصوب گردد.

به علاءالدوله هم حکومت فارس پیشنهاد شده بود لیکن قبول نکرد و تعیین ظل‌السلطان بهترین وسیله است برای انتظام آن ایالت و برقراری امنیت طرق و شوارع.

نمره - ۲۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ مه ۱۹۰۹ [۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت راپورت می‌دهد که بهبودی در رفتار قفقازیهای

آنجا حاصل شده است و برطبق این مطلب هم به همکار روس من خبری از قزوین رسیده است.

از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان اطلاع حاصل می‌نمایم که با وجود بعضی اختلاف عقیده [ها] که هنوز هم مابین رؤسای بختیاری است از کاغذی که شاه به آنها نوشته بود خیلی راضی هستند و مصمم شده‌اند که عده زیادی از قشون خودشان را بزودی مرخص نمایند.

کمیته‌ای که برای وضع انتخابات تشکیل شده بود در کارهای خودشان خیلی پیشرفت کرده‌اند.

در خصوص استقراض از دولت روس مابین سفارت و دولت ایران مذاکرات در جریان است. این پول برای پرداخت حقوق قشونی و اجزاء وزارت خارجه تحصیل شده است. قسط اول این استقراض فقط پنجاه هزار لیره خواهد بود.

نمره - ۲۴

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۲۳ مه [۲ خرداد؛ ۳ ج ۱] از سن پترزبورغ

(علماء نجف)

راجع به تلگراف ۱۴ این ماه [۲۴ اردیبهشت؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] من

(ذیلا ترجمه مکتوبی است که دولت روس پیشنهاد نموده بود.)

مملکت ایران چند سال است گرفتار کشمکش داخلی است و نظر به دوستی حقیقی به این مملکت دولتین روس و انگلیس تمام نفوذ خودشان را برای برطرف کردن بلیاتی که به آن مملکت دچار است بکار برده‌اند. اقدامات ایشان بی‌ثمر نمانده است. در همین ایام شاه به نصایح دولتین مصمم شده است برای برقرار نمودن مشروطه و عفو عمومی به مقصرین پلنتیکی برای امنیت مملکت.

برای سهولت موفق شدن شاه به برقراری آسایش دستورالعملی به نمایندگان قنسولخانه دولتین روس و انگلیس فرستاده شده است که بواسطه حس وطن پرستانه رؤسای روحانی ملت مسلمان که نفوذ آنها مابین هم‌مذهبان خودشان مؤثر است نمایندگان دولتین از مجتهدین کربلا و نجف خواهش نمایند که همراهی کاملی در این راه انسانیت بنمایند و به تمام فرق ایرانی نصیحت کنند که دست از این دعوای برادرکشانه بردارند و نصایح خیراندیش علمای اعلام اسباب آسایش آن مملکت که مدت‌ها دچار زحمت بوده بشود و همچنین باعث انتظام و آسایشی که اهالی ایران زیاده از حد طالب‌اند خواهد گردید.

نمره - ۲۵

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۴ مه ۱۹۰۹ [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

آقا

من شما را از وقایعی که بعد از ملاقات ۲۲ ماه گذشته واقع گردیده بود بتوسط تلگراف اطلاع داده‌ام (مقصود ملاقاتی است که نمایندگان دولتین نصایح روس و انگلیس را به شاه پیشنهاد نموده‌اند) لیکن برای سهولت رجوع به سابقه به نظر اینطور بهتر می‌آید که آن واقعات را در این مراسله بطور اجمال درج نماید.

روز بعد از ملاقات، وزیر امور خارجه به حکم شاه ملاقاتی از نمایندگان دولتین در سفارت روس نمود. وزیر امور خارجه اظهار نمود که اعلیحضرت شاه هنوز بیم آن را دارد که اگر به پیشنهاد دولتین رفتار شود باعث اغتشاش خواهد بود.

ما ایشان را خاطر نشان نمودیم که بهترین راهی برای آسایش این است که نصایحی را که روز قبل به آن اعلیحضرت پیشنهاد شده است معمول و مجری دارند. بعد وزیر امور خارجه اظهار داشت که شاه بیش از صد هزار لیره که ما قول داده بودیم لازم خواهد داشت. ما به ایشان یادآوری نمودیم که دستورالعمل ما بیش از این مبلغ اجازه نمی‌دهد و بعلاوه اظهار نمودیم که در موقعی که مجلس مشغول کار و ادارات مالیه اصلاح شد نمایندگان دولتین سعی کامل خواهند نمود که استقراض مهمی که لزوم آن را ما خوب متوجه هستیم به دولت ایران داده بشود.

روز بعد مجلسی تشکیل شد که در آن مجلس شاه با وزراء و بعضی دیگر حضور داشتند. مقصود از تشکیل این مجلس مذاکره در خصوص پروگرام ما بود.

بعد از ظهر آن روز سعدالدوله به دیدن من آمد و اظهار نمود که به شاه اصرار زیادی نموده است برای قبول نصایح ما. با وجود حضور مستبدین که خیلی ضدیت نمودند لیکن عقیده او این بود که شاه بالأخره به عقیده سعدالدوله رفتار خواهد نمود.

در ۲۵ (۵ اردیبهشت؛ ۴ ع ۲) سعدالدوله مترجمین سفارتین را خواسته و اظهار میل نمود که توضیحاتی در خصوص عمل نمودن پروگرام ما به او داده شود. ما به ایشان جواب دادیم که پیش از اینکه در جزئیات این پروگرام مذاکره بشود می‌بایستی که شاه رسماً قبول نصایح ما را اظهار بدارد.

در این بین خبر ورود قشون روس به سرحد آذربایجان در طهران منتشر گردید. تقی‌زاده و انجمن تبریز این مطلب را برای افتتاح مذاکرات با شاه دستاویز نموده و نتیجه این شد که در ۲۵ ماه اذن متارکه جنگ برای مدت غیرمعینه داده شد و همچنین عفو عمومی و اذن آذوقه به شهر آوردن در ۲۶ ماه به تمام تبریز داده شد.

مجلس هیئت وزراء بعلاوه چند نفر از مستشاران مستبد غیررسمی شاه در ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ ماه منعقد گردید. در این مجالس سعدالدوله سعی هرچه تمام‌تر برضد آراء مستبدین نمود. در یکی از این مجالس پیشنهاد انتشار قانون انتخابات شده بود. این قانون در نواهر

گذشته نزدیک به انتشار بود. در آن موقع يك نمايش جعلی بر ضد ملتیان در باغ شاه به دست درباریان بعمل آمد. این نمايش را شاه سبب قرار داده و انتشار قانون را توقیف نمود. ولی حالا شاه می‌خواست همان قانون ناقص را منتشر نماید و بواسطه انتشار این قانون از اجراء نمودن پروگرام ما امتناع کند.

همکار روس من و من بتوسط سعدالدوله اعلیحضرت شاه را مطلع ساختیم که این اقدام بر ضد پروگرام ما خواهد بود و بهیچوجه بهبودی به اوضاع نخواهد بخشید و اصرار نمودیم که جواب قطعی به اظهارات ما بدهد.

در ۲۵ ماه سفارتین اطلاع حاصل نمودند که شاه صدراعظم و امیربهادر را معزول کرده و عموی خودش نایب‌السلطنه را به صدارت و وزارت جنگ منصوب نموده است.

نایب‌السلطنه یکی از مستبدین سخت نمرة اول است و اگر چه تازگی جزء وزراء نبوده است لیکن نفوذ تامی مثل امیر بهادر جنگ داشته است.

بعد از تبادل افکار با همکار روس خودم متفق شدیم که کتباً شاه را بتوسط سعدالدوله مطلع بسازیم که نایب‌السلطنه در کابینه بکلی پذیرفته نخواهد شد.

ما باز برای جواب اصرار نمودیم و به شاه یادآوری نمودیم که اگر تا دوم ماه جواب به ما نرسد درخواست ملاقات دیگر خواهیم نمود.

صبح زود روز بعد ما اطلاع حاصل نمودیم که سعدالدوله را معزول نموده‌اند. زیرا که معلوم بود این اقدام بواسطه ایستادگی است که سعدالدوله در این چند روزه برای قبولاندن نصایح ما به شاه کرده است و همچنین انتخاب نایب‌السلطنه و عزل سعدالدوله مثل این بود که در واقع اظهارات دولتین موقع مسخره واقع شده باشد. ما مصمم شدیم که پرتست سختی نموده و مترجمین سفارتین را به باغ شاه بفرستیم که اگر نایب‌السلطنه را فوراً معزول و سعدالدوله را منصوب نمایند ما به دولتین متبوعتین خودمان تلگراف خواهیم نمود که این اقدام شاه واضحاً نشان می‌دهد که آن اعلیحضرت رد کرده است نصایح ما را.

لغاً یادداشتی است که مسیو چرچیل در خصوص این ملاقات نوشته است. ملاحظه خواهید نمود که ما به شاه بخوبی تصریح نمودیم که دولتین نمی‌خواهند نصایح خودشان را جبراً به آن اعلیحضرت بقبولانند. شاه آزاد است از قبول یا رد نصایح ما لیکن وجود سعدالدوله برای هر کابینه‌ی فعالی لازم است و به‌این جهت اگر عزل او باقی بماند نشان می‌دهد که اعلیحضرت شاه رد نموده است يك قسمت عمده پروگرام ما را.

آنچه که در این ملاقات رخ داده است بطور وضوح معلوم می‌نماید که اثر کافی بخشیده است بجهت اینکه صبح بعد نایب‌السلطنه مسیو چرچیل را احضار نمود بعلاوه اینکه نایب‌السلطنه پرتست نمود از اینکه او را مستبد خوانده‌اند.

مسیو چرچیل را مطمئن نمود که نظر به ضدیت سفارتین او داخل کابینه نخواهد شد. در ۴ ماه، ما را مطلع ساختند که معاون وزارت امور خارجه عجالتاً کفیل امور آن وزارتخانه خواهد بود.

یکی دو ساعت بعد مراسله‌ای به سفارت رسید که در آن مراسله معاون وزارت خارجه

اطلاع می‌داد که شاه نصایح ما را قبول نهوده ولیکن لازم است توضیحاتی در بعضی از نکات از طرف نمایندگان دولتین به نمایندگانی که از طرف شاه انتخاب خواهند شد در يك مجلسی بدهند.

ما در جواب این مراسله درخواست موقع معینی برای این مجلس نمودیم.

در این بین با وجود اینکه شاه رسماً قبول نصایح ما را اعلان نموده بود امیر بهادر که از وزارت جنگ معزول شده بود باز در باغ شاه حاضر بوده و ریاست گارد شخص شاه را می‌کرد. نایب‌السلطنه هم که در خصوص او ما پرتست سخت نموده بودیم باز به ریاست هیئت وزراء و وزارت جنگ باقی بود.

امروز که روز عید شاه است، شاه اقدام صحیحی نموده و فرمانی صادر کرده بود که در آن فرمان قول برقراری مشروطیت را می‌داد.

فرمان مزبور تشریح می‌نماید که آسایش عموم در مشروطیت است و مشروطه بهترین طریقی برای آسایش مردم و اصلاحات ادارات دولتی خواهد بود و وقت را معین می‌نماید برای انتخابات بموجب قانون انتخابات جدید که بزودی منتشر خواهد گردید. تجربیات گذشته انسان را مشکوک می‌نماید از صمیمیت عقیده شاه، لیکن فرمان همینقدر خوب است که چیزی بر ضد پروگرام رفورمی که دولتین پیشنهاد نموده‌اند متضمن نیست.

(امضاء بازکلی)

ضمیمه نمره ۴۵

یادداشت مسیو چرچیل

در ساعت ۷ بعد از ظهر مسیو بارانوسکی و من شاه را ملاقات نمودیم و همکار روس من ناطق بود:

ما عذر می‌خواهیم از اینکه اعلیحضرت شما را به این وقت تنگ زحمت می‌دهیم. لیکن ما مأموریم که از طرف سفیر انگلیس و شارژ دافر روس به اعلیحضرت شما اطلاع بدهیم که اگر شما فوراً نایب‌السلطنه را معزول و سعدالدوله را به جای خودش نگمارید نمایندگان دولتین مجبور خواهند شد که فردا به دولت متبوعه خودشان تلگراف نمایند که اعلیحضرت شما اقدامی نموده‌اید که بطور وضوح نشان می‌دهد که اعلیحضرت شما هیچ قصد عمل نمودن به نصایح دوستانه دولتین ندارید.

اعلیحضرت شاه گفتند به چه دلیل همچو اقدامی خواهید نمود در صورتی که او قبول نموده است نصایح دوستانه دولتین را و بر طبق آن نصایح هم رفتار کرده است ولی چطور ممکن است که جبراً قبول نماید وزیر امور خارجه را که شخصاً طرف تفر اوست.

به تمام این سؤالات مسیو بارانوسکی جواب داد که دستورالعملی که به ما داده شده است فقط تذکار مطالب فوق است و بهیچوجه ما مآذون نیستیم که بیش از این سؤال و جوابی نماییم. شاه خیلی ایستادگی نموده و اظهار داشت که نمایندگان دولتین نمی‌توانند تلگراف نمایند که شاه نصایح دولتین را رد نموده است در صورتی که اظهار رسمی او خلاف این مطلب را نشان می‌دهد.

من (چرچیل) گفتم که هجرای رسمی برای رسانیدن این مطلب به سفارتین بتوسط سعدالدوله وزیر امور خارجه است.

شاه گفت که ممکن است این مطالب را بتوسط شما که به مقام رسمی نزد من آمده‌اید به سفارتین پیغام داد که من نصایحی را که پیشنهاد شده است قبول کرده و بیشتری از مواد آن را بموقع اجراء گذارده‌ام. چنانچه مشیرالسلطنه و امیربهادر را معزول نهوده‌عفو عمومی عطا کرده و مشغول ترتیب قانون هستم لیکن در این پیشنهاد موادی ذکر نشده است که دلیل قبولاندن سعدالدوله بزور به وزارتى باشد. نایب‌السلطنه در کابینه نخواهد بود لیکن مصمم شده‌ام که سعدالدوله را هم داخل نمایم.

مسیو بارانوسکی گفت که در این صورت فردا نمایندگان دولتین تلگراف مذکور را به دولت متبوعه خودشان خواهند نمود.

شاه گفت که شما تکلیف مالایطاقی می‌نمایید و ظاهراً چنین معلوم می‌شود که من دیگر سمت شاهی ندارم و شما می‌بایستی که صرف نظر از او یا از من بنمایید.

من وقت را غنیمت شمردم گفتم که دولتین بهیچوجه مایل نیستند که امری را به اعلیحضرت شما جبراً بقبولانند و در واقع خیالشان خیلی برعکس این مطلب است. نصیحت دوستانه به آن اعلیحضرت شده است که در صورت قبول از طرف ما استقراضی داده خواهد شد، شما آزاد و مختارید که این نصایح را رد نمایید و بهرطور که مایل هستید رفتار کنید.

شاه جواب داد که او هیچوقت نصیحت دوستانه دولتین را رد نخواهد نمود و در واقع قبول هم نموده و بموقع اجراء هم خواهد گذاشت. و مطلبی که بر او شاق است وزارت سعدالدوله است و آنهم بواسطه این است که سعدالدوله شخصاً مغرض است و طرف اطمینان نیست.

مسیو بارانوسکی گفت که شما سهو نموده‌اید بجهت اینکه سعدالدوله فقط شخصی است که می‌تواند پروگرام رفورم ما را بطور مشروطه اجراء بدارد.

من گفتم که انتخاب مستبدی مثل نایب‌السلطنه و عزل شخصی مثل سعدالدوله وضوحاً نشان می‌دهد که آن اعلیحضرت بهیچوجه خیال اجراء نمودن نصایح ما را ندارید. اعلیحضرت شما تا به حال اظهار قبول نمودن را نکرده و هیچ يك از مواد پروگرام را کاملاً مجری نداشته‌اید.

بعد شاه گفت که چه اشخاص طرف اعتماد سفارتین هستند؟

به آن سؤال ما جواب داده‌ایم که بعد از اینکه اعلیحضرت شما رسماً به نمایندگان دولتین قبول نمودن نصایح را اعلام نمائید آنوقت داخل جزئیات خواهیم شد.

مسیو بارانوسکی گفت که سفارت روس کراراً به اعلیحضرت شما اظهار نموده است که بهیچوجه راضی به عزل سعدالدوله نیست، با وجود این مطلب شاه استکفاف ورزیده است. حالا شاه می‌باید که قبول بکند نصایح ما را و یا اینکه سفارتین فردا تلگراف خواهند نمود که شاه نصایح ما را رد نموده است.

شاه تا دقیقه آخر بر رأی خود ثابت بود. در ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه ما از

حضور مرخص شدیم.

(امضا چرچیل منشی اول السنة اوریانتال) طهران

۳۰ آوریل ۱۹۰۹ [۱۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

نمره - ۲۶

کاغذ سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۵ مه [۲۵ اردی بهشت؛ ۲۴ ع ۲] از سن پترزبورغ.
در ملاقاتی که من دیروز از مسیو چریکف نمودم او به من اظهار نمود بهوجب خبری که برای او از تبریز رسیده است اوضاع آنجا خوب است. انجمن مشغول خلع سلاح نمودن مردم و همچنین مجبور نمودن رولوسیونرهای روسی به تسلیم اسلحه خودشان هستند.
مسیو چریکف عنوان نمود که خوب است دولت ایران بدون تعویق حکومتی برای آنجا معین نماید به دلیل اینکه عجالاً در آنجا هیچکس نیست که مأمورین خارجه بتوانند با او طرف سؤال و جواب بشوند.
من به مسیو چریکف اظهار نمودم که تعلیمات به سر بارکلی فرستاده شده است که همراهی با مسیو سابلین نموده از دولت ایران تقاضای تعیین حاکمی برای تبریز بنمایند لیکن البته لازم است که آن حاکم شخصی باشد که از طرف ملتیان پذیرفته بشود. مسیو چریکف موافقت نمود.

(امضاء نیکلسن)

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۷

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۴ مه [۳ خرداد؛ ۴ ج ۱] از وزارت خارجه لندن.

مراجعت ظل السلطان

ملاحظه نمایید تلگراف ۲۳ این ماه خودتان را.
اگر به مسیو سابلین هم همینطور اجازه داده شده است شما می توانید که موافق پیشنهادی که کرده بودید جواب بدهید.

نمره - ۲۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ مه ۱۹۰۹ [۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۵ ج ۱] از قلهک.

استقراض [= اقراض] روس به دولت ایران

راجع به تلگراف ۲۳ این ماه من

مثل استقراض سال ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ رهن این صد هزار لیره تمام گمرکات بنادر ایران غیر از بنادر خلیج فارس است و تا اینکه حساب صحیحی از مخارج هر قسطی داده نشود قسط بعد پرداخته نخواهد شد.

یک کمیته‌ای که مستشار مالیه هم سمت عضویت دارد مشغول ترتیب صورت مخارج ضروری هستند. از قراری که فهمیده می‌شود تمام این صد هزار لیره خرج خواهد شد. مخصوصاً در کنترات این استقراض که هنوز هم در تحت نظر دولت ایران است شرط شده است برای هر مخارجی بدو امضاء سفارت روس می‌باید تحصیل بشود. سفارت مایل است که قسمت عمده این پول برای پرداخت حقوق و مرخص نمودن قشون صرف شود لیکن کمیته بعضی مخارج فوری دیگر را پیشنهاد می‌نماید.

نمره - ۲۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۹ مه [۸ خرداد؛ ۹ ج ۱] از طهران. از قراری که وزیر امور خارجه به من اطلاع داده است حکومت تبریز به علاءالدوله داده شده است. کاندیدای ملتیان مخبر السلطنه است و مخبر السلطنه پیش از این اغتشاشات حاکم آنجا بود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۳۰

تلگراف سر ادواردگری به سر لوتار [= لوتر] سفیر کبیر انگلیس در اسلامبول مورخه ۲۹ مه ۱۹۰۹ [۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۹ ج ۱ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن. شما می‌توانید که بهمراهی همکار روس خودتان دستورالعمل متحدالمالی در خصوص مذاکره با مجتهدین به ژنرال قنولگری بغداد بفرستید. (ملاحظه نمایید تلگراف ۲۳ این ماه از سن پترزبورغ [را])

نمره - ۳۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۱ مه [۱۰ خرداد؛ ۱۱ ج ۱] از قلهک. در تلگراف ۲۹ این ماه تعیین علاءالدوله به حکومت تبریز راپورت داده شد. ملتیان طهران از این مطلب متفرند به دلیل اینکه او را مستبد فرض می‌نمایند. ژنرال قنول اعلیحضرتی باز هم مایل به این انتخاب است و خاطر نشان می‌نماید که حاکم تبریز می‌باید شخص با نفوذ با استخوانی باشد و می‌گوید که هیچ دلیلی نیست که این تعیین اسباب تفرع عموم اهالی تبریز بشود هرچند که یک عده اشخاص خودسر هستند

که مایل به يك حاکم مقتدری نیستند.

نمره - ۳۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۱ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۰ خرداد؛ ۱۱ ج ۱] از قلهاک.
 تلگراف ذیل که تاریخ ۳۰ ماه مه را دارد از ژنرال قنصول اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من مخابره گردیده است.
 چهار روز قبل نزاعی مابین دو دسته از فداییها در محله حکمآباد زوی داد. این نزاع باعث اغتشاش گردید.
 يك دسته از این فداییها به ژنرال قنصولگری روس فرار نمودند. دسته دیگر را هم بعد قشون روس توقیف نمودند.
 در حینی که قشون روس مشغول این اقدام بودند يك سنگری که در جلو آنها بود خراب و منهدم نمودند.
 نتیجه این اقدامات این شد که ستارخان و باقرخان به ژنرال قنصولگری عثمانی رفته متحصن شدند.

نمره - ۳۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۱ مه ۱۹۰۹ [۱۰ خرداد؛ ۱۲۸۸؛ ۱۱ ج ۱-۱۳۲۷] از قلهاک.

ناصرالملک

تلگرافی از شاه به ناصرالملک مخابره شده است که به او ریاست وزراء و وزارت مالیه را پیشنهاد نموده‌اند و از او خواهش کرده‌اند که مراجعت به ایران نماید.

نمره - ۳۴

تلگراف سر لوتار [= سر لوتر] به سر ادواردگری مورخه ۳۱ مه ۱۹۰۹ [۱۰ خرداد؛ ۱۱ ج ۱] از اسلامبول
 راجع است به تلگراف ۱۲ مه [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۲ - ۱۳۲۷] من
 مجتهدین

راجع به تلگراف ۲۹ این ماه شما افتخار دارم از اینکه راپورت بدهم من و همکار روس من در خصوص مضمون دستورالعمل متحدالمال متفق شده و به بغداد فرستادیم.

نمره - ۳۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ اول ژون ۱۹۰۹ [۱۱ خرداد ۱۲۸۸؛
۱۲ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

استقراض [= اقراض] روس به دولت ایران

مسیو سابلین نسخه‌ای از معاهده راجع به استقراض به دولت روسیه تقدیم نموده است.
بعد از تلگراف ۲۵ مه من قدری تغییر و تبدیل که تفاوتی برای دولت ایران ندارد
در آن داده شده است.

مثلاً شرطی که این استقراض صد هزار لیره باید به اقساط داده بشود در این ترتیب
اخیر نسخ شده است. من گمان می‌کنم که باستثنای این ماده احتیاط لازمه شده است که
این پول به مصرف غیر لازم نرسد و بعلاوه وزرای متصدی مجبور خواهند بود که بعد حساب
کاملی از مخارج را به مجلس ارائه بدهند.

نمره - ۳۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ ۲ ژون ۱۹۰۹ [۱۲ خرداد؛ ۱۳ ج ۱]
از قلهاک

ناصرالملک

ثانیاً ناصرالملک از پیشنهادی که شاه به او نموده بود و در تلگراف ۳۱ ذکر شد امتناع
نموده و متعذر به ناخوشی پسرش شده است.

نمره - ۳۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ ۲ ژون ۱۹۰۹ [۱۲ خرداد؛ ۱۳ ج ۱]
از قلهاک

تبریز

تلگراف ذیل از قنصلگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من رسیده است.
امشب کاغذی از همکار عثمانی من برای من رسید و در آن کاغذ به من اطلاع می‌داد
که حمایت دولت عثمانی به شخص و اموال ستارخان و باقرخان و بعضی اشخاص مهم تبریز
که اسامی آنها فرستاده خواهد شد عطا شده است.

نمره - ۳۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری ۲ ژون ۱۹۰۹ [۱۲ خرداد؛ ۱۳ ج ۱] از قلعهک تبریز

تلگراف ذیل مورخه اول ژون از طرف ژنرال قنصول اعلیحضرتی مقیم تبریز مخابره گردیده است:

از طرف بعضی اشخاص اقداماتی شده است که بازارها را ببندند ولی تاکنون بی نتیجه مانده است. آنچه من اطلاع حاصل نموده‌ام اشخاصی که با ستارخان و باقرخان همراهی دارند فقط اشخاصی هستند که منافع خودشان را در مداومت اغتشاش می‌دانند و دور آنها جمع شده‌اند.

این اشخاص کوشش می‌نمایند که عموم مردم را بواسطه تهدید با خود همراه نمایند. لیکن میل اکثریت مردم به صلح و خاموشی است.

از چندین نفر اشخاص محترم اینجا به من گفته شده است که در این چند وقت اخیر در تلگرافاتی که از طرف رؤسای ملتیان تبریز به طهران مخابره شده است اسامی آن اشخاص را هم در جزو امضاءکنندگان بدون اجازه آنها قلمداد نموده‌اند.

نمره - ۳۹

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۵ ژون ۱۹۰۹ [۱۵ خرداد؛ ۱۶ ج ۱] از پترزبورغ.

اوضاع تبریز

بموجب خبری که قنصول روس تلگراف نموده است نزاعی مابین دو دسته از ملتیان واقع شده است. از قرار معلوم يك شخصی موسوم به یوسف رئیس دسته بوده است که ابتداء آن دسته شروع به نزاع نموده‌اند و از قراری که می‌گویند این شخص مذکور مدتی در آن محله که این واقعه رخ نموده است مردم را تهدید می‌نموده. دسته‌ای که بطرف آنها حمله شده بود فرار نموده بطرف خانه نایب‌الحکومه رفتند. نایب‌الحکومه قادر به حمایت و پناه دادن نبود. پس از آن به قنصولخانه روس متحصن شدند.

مأمورین روس به نایب‌الحکومه اطلاع دادند که هر وقت اشخاصی را که در توقیف ما هستند احضار نماید بجهت نایب‌الحکومه خواهیم فرستاد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۰

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۱ مه ۱۹۰۹ [۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.
آقا

در بقیه راپورت اتفاقاتی که بعد از پیشنهاد نصایح دولتین به شاه (ملاحظه نمایید مرسله

۵ ماه مه را) رخ داده است من افتخار دارم از اینکه راپورت بدهم دستخطی را که در روز عید مولود شاه (۵ مه) صادر شده بود که آن دستخط مبنی به برقراری مشروطه محدود بود. هر چند که در تبریز خوب پذیرفتند ولی در سایر نقاط از قبیل اصفهان اثری نبخشید بلکه ملتیان آن نقاط اعلان نمودند که به هیچ چیز جز به برقراری مشروطه قدیم راضی نخواهند شد. و مخصوصاً در قزوین بکلی بی اثر و بی نتیجه مانده است بواسطه اینکه همان ایام رولوسیونرها قزوین را تصرف نموده‌اند. بعضی از اشخاص که تازگی از قزوین آمده‌اند به این سفارت خبر داده‌اند که محققاً پس از آنکه استعداد رولوسیونرهای قزوین کامل شد رو به طهران حرکت خواهند نمود. استعداد هم اتصالاً به آنها ملحق می‌شود. پیشقراول آنها تا به «کوند» که منزل اول از قزوین به طهران است رسیده است.

استعداد آنها - در پایتخت بطور اغراق شایع است و این مطلب اسباب توهم باغ‌شاه شده است.

یقیناً بواسطه این مطلب و همچنین ترس از اقدامات بختیاریهای متوقف در اصفهان بود که من و همکار روس من شاه را در مذاکرات خودمان همراه دیدیم.

اشخاصی که کاملاً با اطلاع هستند می‌گویند که عدّه زیادی از قفقازیها تا نزدیکی طهران هم آمده‌اند. معلوم است که این حکایت خالی از صحت است.

لیکن من مطلع هستم که خیال این اشخاصی که از رشت به قزوین آمده‌اند تغییرناپذیر است و به نظر من خیلی ممکن می‌آید که به طهران هم بیایند ولو اینکه شاه تمام نصایح ما را بموقع اجراء بگذارد.

ملاقاتی که بنا بود مابین نمایندگان دولتین و نماینده شاه برای توضیحات پروگرام اصلاحات ما واقع شود در هفتم این ماه در این سفارت منعقد گردید. نمایندگان شاه اشخاص ذیل بودند:

کفیل وزارت امور خارجه مؤتمن‌الملک، مستشارالدوله، علاءالملک، حشمت‌الدوله.

از تعیین این اشخاص به سمت نمایندگی شاه، امید است که نتایج سودمندی حاصل شود.

ما در شروع به مذاکرات لایحه را قرائت نمودیم خطاب به مشارالسلطنه کفیل وزارت امور خارجه به این مضمون که اگر سعیدالدوله را فوراً به وزارت امور خارجه و ناصرالملک را به ریاست وزراء و وزارت مالیه برقرار نمایید به دولتین محقق و معلوم خواهد شد که شاه بکلی نصایح ما را رد کرده است.

بعد شروع به مواد پروگرام نمودیم.

اگر چه تذکار جوابهای زیادی که ما به سؤالات آنها دادیم اسباب تصدیع است لیکن دو مطلبی که باعث زحمت زیاد شد راجع به عفو عمومی و قول دادن استقراض بود. در مطلب اول ما دچار اشکالات فوق‌العاده شدیم برای اینکه به نمایندگان شاه بفهمانیم که اشخاصی که بر ضد قوانین معموله از قبیل دزدی و قتل رفتار نموده‌اند البته از عفو عمومی مستثنی خواهند بود. بالاخره موفق شدیم به فهمانیدن این مطلب که مخصوصاً این مطلب عنوان شده است برای اینکه شاه مجبور نیست اشخاصی را که به دستگیری مشروطه مرتکب

جنبه و جنایتی شده‌اند معفو بدارد. در خصوص استقراض نمایندگان شاه از این جمله «اگر لازم بدانند» سوء ظن حاصل نمودند و دو سه مرتبه سؤال نمودند که مقصود دولتین از ذکر این جمله چیست. ما اطمینان دادیم که به دولتین متبوعتین خودمان لزوم استقراض را تأکید نموده‌ایم آنها اظهار دلتگی نمودند که باین ترتیب تا چندین ماه دیگر پولی از این صد هزار لیره عاید دولت نخواهد شد بواسطه اینکه هر قدر که دولت سعی نماید نظر به اشکال مسافرت در ایران مدتی طول خواهد کشید تا اینکه مجلس منعقد گردد. همچنین نمایندگان شاه از لغت گرانتی (ضمانت) که در موضوع استقراض آتیه ذکر شده بود اظهار شکایت نموده و خواهش کردند که در عوض لغت گرانتی لغت کنديسين (شروط) استعمال شود.

نمایندگان شاه گفتند که مجلس از دادن گرانتی زیاده از حد متغیر خواهد شد. ما به ایشان خاطر نشان نمودیم که در این مواقع معمول است که گرانتی داده بشود لکن تغییر لغت فرقی به موضوع اصلی نمی‌کند بعلاوه مجلس مختار است بعد از اینکه اطلاع کامل از گرانتی‌های لازمه حاصل نمود استقراضی را که دولتین پیشنهاد خواهند نمود رد یا قبول نماید.

بیش از اتمام این مجلس من و همکار روس خودم دو صورت از اسامی اشخاصی که به عقیده ما طرف اطمینان بودند برای انتخاب به وزارت و به عضویت کمیسیون قانون انتخابات به نمایندگان شاه دادیم و به ایشان گفتیم که غیر از ناصرالملک و سعدالدوله این اشخاصی که از آنها صورت داده شده است فقط بطور غیررسمی پیشنهاد شده‌اند. نمایندگان جد و جهد زیادی نمودند که ما را راضی نمایند از برداشتن اسم سعدالدوله ولی کوشش آنها بی‌حاصل ماند.

بعد از ختم مذاکرات ما از نمایندگان شاه سؤال نمودیم که آیا ممکن است که آنها از طرف ما به خدمت شاه پیغامی ببرند؟ بعد از اظهار قبول به آنها گفتیم که به شاه اصرار نمایند که در این موقع تنگ و خطرناک خوب است که از طرف شاه فوراً اعلان بشود که آن اعلیحضرت نصایح دولتین را قبول نموده بعضی از مواد آن را بموقع اجرا گذارده‌است و اقدامات لازمه برای اجرا نمودن مواد دیگر بعمل خواهد آمد.

روز بعد (۸ مه) برای دفعه آخر شاه سعی نمود که سعدالدوله را به جای خود برقرار نماید و بتوسط رسولی پیغام فرستاد و به همکار روس من ابلاغ نمود که سفیر انگلیس از بعای سعدالدوله به وزارت صرف نظر نموده است و به خود من (سفیر انگلیس) اطلاع داد که مسئله سعدالدوله چونکه مسئله خصوصی است مابین شاه و نماینده سفارت روس بتوسط مترجم آن سفارت حل خواهد شد. و بالاخره این خدعه اخیر هم بی‌نتیجه ماند.

بعد از ظهر آن روز کفیل وزارت خارجه را ملاقات نموده به او گفتم که من و مسیو سابلین در شرف فرستادن مراسله متحدالمالی هستیم که بموجب آن مراسله ساعتی را معین خواهیم نمود که اگر قبل از آن ساعت بعضی از مواد پروگرام ما اجراء نشود به دولتین متبوعتین خودمان راپورت خواهیم داد که شاه نصایح دولتین را قطعاً رد نموده است.

این صحبت ما که یقیناً به شاه مذاکره شده بود اسباب سرعت اقدام به کار شد به دلیل اینکه صبح روز بعد (۹ ماه مه) سعدالدوله را در دربار احضار نمودند و شاه از او خواهش نمود که کابینه‌ای تشکیل داده و اختیارات تازه هم به او داده شد. عصر آن روز به دیدن سعدالدوله رفتیم. فرمانی را که در خصوص برقراری دولت مشروطه نوشته بود و می‌خواست از نظر شاه بگذراند برای من خواند. این فرمان که منضم به فرمان دیگری برای عفو عمومی بود بیش از آنچه از طرف ما پیشنهاد شده بود در آن ذکر شده به دلیل آنکه این فرمان مبنی بر برقراری مشروطه قدیم است در صورتی که نمایندگان دولتین مخصوصاً همیشه امتناع از تعیین مشروطه معینی می‌نمودند و فقط قانع به دادن يك مشروطه بودند.

این دو فرمان همان شب به امضای شاه رسید و دیروز منتشر گردید. ترجمه هر دو فرمان [را] بانضمام ترجمه کاغذ سعدالدوله که در موقع فرستادن این دو فرمان به سفارتین ارسال داشته بود لغاً ارسال داشت. کابینه‌ای که به‌وجب نصایح ما تشکیل شده از اینقرار است: رئیس الوزراء و وزیر مالیه ناصرالملک (تا مدت ورود ناصرالملک امیرنظام کفیل وزارت مالیه خواهد بود).

وزیر امور خارجه	سعدالدوله
وزیر داخله	فرمانفرما
وزیر جنگ	مستوفی الممالک
وزیر عدلیه	مشیرالدوله
وزیر علوم	مؤتمن الملک
وزیر فوآئد عامه	مهندس الممالک
وزیر پست و تلگراف	مخبرالدوله

تا ورود ناصرالملک سعدالدوله کفیل ریاست وزراء خواهد بود.

(امضاء ژرژ بارکلی)

ضمیمه ۱ در نمره ۴۰

ترجمه کاغذ سعدالدوله به سر ادواردگری مورخه ۲ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۱ ع ۲-۱۳۲۷] از طهران.

جنابا

به‌وجب فرمان اعلیحضرت همایون شاه مشروطه ایران دوباره برقرار شده است و مجلس هم باز خواهد شد - در حین اظهار این مطلب که این اعطای شاهنشاهی در انتها در حاکمیت و احترام از طرف ملت و دولت پذیرفته شده است.

من افتخار دارم سوادى از فرمان مذکور به انضمام سوادى از دستخط راجع به دادن عفو عمومی برای جناب شما فرستاده و باین طریق آنجناب را دعوت به شرکت در این جشن ملی می‌نمایم.

امیدوارم که جناب شما دولت متبوعه خود را از این مطلب هر چه زودتر ممکن بشود مطلع خواهید ساخت.

سعدالدوله

ضمیمه ۲ در نمره ۴۰

ترجمه دستخط همایونی مورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۲-۱۳۲۷].

از آن روزی که به خواست خدا ما ولیعهد ایران شدیم همیشه گمان می‌کردیم که خرابی‌هایی که در این مملکت شش هزار ساله که وطن عزیز ما است وجود دارد بدون اتفاق ملت با دولت ممکن نیست که رفع بشود و ما همیشه در این خیال بودیم تا اینکه ملت ایران ما را به این مقصود کمک نموده و استدعای مشروطیت از پدر شاهنشاه مرحوم ما نمود. تلگرافات و کاغذهایی که من به مرحوم پدر معظم خود فرستاده‌ام هنوز هم موجود است و همراهی ما را با ملت ثابت می‌نماید.

بعد از اعطای مشروطیت وقتی که ما به طهران آمدیم زحمت زیادی کشیدیم تا اینکه پدر مرحوم ما آن را امضاء نمود.

وقتی که ما به تخت نشستیم سعی کاملی برای برقراری مشروطیت و عظمت مجلس شورای ملی نمودیم لیکن تحریکات مفسدین همانطوری که بر همه معلوم است به اندازه‌ای اثر بد به خیال ما بخشید و به اندازه‌ای ما را مأیوس نمود که تصور نمودیم که این حرکات ناگوار مجلس اسباب رفع اشکالات ایران نخواهد بود.

باین جهت ما مصمم شدیم که موافق قانون معموله تمام ممالک مجلس را منفصل نماییم لیکن در ۱۹ شهر شوال، وقتی که ما می‌خواستیم مجلس را دومرتبه باز نماییم اوضاع طوری بود که هر شخص عاقلی گمان می‌نمود که نتیجه این اقدام جز خونریزی چیز دیگر نخواهد شد. ما مدتی مشغول رفع این هوانع بودیم. حالا که وقت مناسب و اشکالات رفع شده است ما خوشحالیم که بموجب این دستخط حکم به افتتاح مجلس موافق همان مشروطه سابق بدون هیچ تغییری بنماییم.

همچنین ما حکم می‌نماییم که عده‌ای از ملتیان عالم که طرف اعتماد دولت و ملت باشند داخل در شورای مملکتی شده و هر چه زودتر ممکن شود ترتیب قانون انتخابات را بدهند. وقتی که قانون انتخابات حاضر شد انتخابات شروع شده و همینکه دو ثلث و کلاء حاضر شدند مجلس شورای ملی در بهارستان افتتاح خواهد یافت.

در باغ شاه مورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹

(محمد علی شاه قاجار)

ضمیمه ۳ در نمره ۴۰

دستخط همایونی که در ۹ ماه مه صادر شده است.
 حالا که ما مصمم شدیم دوبرتبه مجلس را باز نماییم به عموم حکام ولایات امر می‌نماییم
 که تمام اشخاصی که متهم تقصیر پلنیکمی شده‌اند در هر نقطه ایران باشند بدون استثناء
 معفوند و هیچکس حق مزاحمت به آنها ندارد.
 همچنین ما حکم می‌نماییم که تمام اشخاصی که نفی بلد شده‌اند آزادند که مراجعت
 نموده به هر کجا که بخواهند بروند.
 بعلاوه ما حکم می‌نماییم که این دستخط در داخله و خارجه اعلان شود.
 طهران مورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۲ - ۱۳۲۷] (به خط
 خود شاه) صحیح است.

نمره - ۴۱

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ماه مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛
 ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران
 آقا

من افتخار دارم لفاً اجمال وقایعی که در این چهار هفته اخیر روی داده است بطور
 معمول برای شما بفرستم.

امضاء بارکلی

ضمیمه در نمره ۴۱

طهران

از ۲۴ الی ۲۷ ماه آوریل ۱۹۰۹ [۴ تا ۷ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳ تا ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]
 مجلس مشاوره برای مذاکرات در پیشنهادهای روس و انگلیس که در ۲۲ آوریل شده بود
 در باغ شاه منعقد گردید. سعدالدوله در این مجالس جداً رأی می‌داد به قبول کلیه
 پروگرام و به این جهت اسباب ضدیت اعضاء و عدم رضایت شاه حاصل گردید و نتیجه این
 شد که در ۲۹ ماه شاه سعدالدوله و کلیه کابینه‌ای را که مشیرالسلطنه و امیر بهادر در آن
 عضویت داشتند معزول و عموی خود نایب‌السلطنه را صدراعظم و وزیر جنگ نمود.
 در ۳۰ ماه آوریل [۱۰ اردیبهشت؛ ۹ ع ۲] سفارتین انگلیس و روس پرتست بر ضد
 این تعیین نموده و مترجمین سفارتین از شاه ملاقات کرده و جداً طلب بقای سعدالدوله
 را نمودند.

در اول ماه مه [۱۱ اردیبهشت؛ ۱۰ ع ۲] شاه‌منشی مخصوص خود حشمت‌الدوله را نزد
 سفیر اعلیحضرتی فرستاد. حشمت‌الدوله اظهار نمود که شاه پروگرام روس و انگلیس را
 اساساً قبول نموده است. در همین ملاقات طرح جواب رسمی که باید از طرف دولت ایران
 داده شود نوشته شد. در ۴ ماه مه کفیل وزارت امور خارجه مراسله ذیل را به این سفارت

فرستاد:

من از طرف اعلیحضرت شاه ماذونم که به دو نماینده محترم دولتین معظمتین معلوم دارم که اعلیحضرت همایونی قبول می کنند نصایح دوستانه ای را که به ایشان در ملاقات ۲۲ آوریل [۲ اردی بهشت ۱ ع ۲] داده شده است.»

بعد از آنکه شاه حکم کرد که فرمان راجع به برقراری مشروطیت را در روز عید تولد خود ۵ ماه مه [۱۵ اردی بهشت؛ ۱۴ ع ۲] چاپ و منتشر نمایند، دسته مستبدین درباری سعی نمودند که مثل ترتیب همیشه یک نمایشی بر ضد این اعلان بدهند به اینجهت سفارتین انگلیس و روس یک مراسله سخت متحدالمآلی فرستاده و در آن مراسله اظهار نمودند که شاه شخصاً مسؤول یک همچو اقدامی خواهد بود. نتیجه این مراسله این شد که نمایش مذکور بعمل نیامد.

در ۱۱ ماه مه [۲۱ اردی بهشت؛ ۲۰ ع ۲] هیئت سفراء خدمت شاه پذیرفته شدند. در این ملاقات شاه خیلی با سلامت مزاج بنظر می آمد و زمردهای پر قیمت خود را در روی لباس سفیدی که پوشیده بود زده بود و خیلی قشنگ بنظر می آمد و مخصوصاً یک نیمتاج الماس بسیار اعلی را هم به کلاه خود زده بود. بعد سان قشون اردو داده شد لیکن عدّه کمی از سفراء تا آن وقت ماندند.

سیلاخوربهایی که امیر بهادر جمع نموده است و تا به حال باعث خسارت زیادی شده اند آنها هم حضور داشتند اما رئیس آنها نبود.

خبر گرفتن رولوسیونرهای رشت و قزوین که در شب گذشته اتفاق افتاده بود چند ساعت پیش از این ملاقات به شاه رسیده بود. در همان روز پنجم اعلان شاه راجع به برقراری مشروطیت منتشر گردید لیکن فقط چند نمره از آن فرمان به دست مردم رسید و عموم مردم مطلع نشدند.

در ۶ ماه مه [۱۶ اردی بهشت؛ ۱۵ ع ۲] صدنفر ایرانی قزاق در تحت فرمانده روسی به کرج رفتند.

کفیل وزارت امور خارجه از طرف شاه نزد سفیر اعلیحضرتی آمده و اظهار نمود که نایب السلطنه دیگر صدراعظم نیست.

در ۷ ماه مه نمایندگان شاه که عده شان شش نفر بود به سفارت اعلیحضرتی برای مذاکره با نمایندگان دولتین در جزئیات پروگرام انگلیس و روس آمدند.

روز بعد، ۸ ماه مه، شاه در خصوص عدم ابقای سعدالدوله به سفارتین پیغام فرستاد لیکن در ۹ ماه [۱۹ اردی بهشت؛ ۱۸ ع ۲] بعد از اینکه مشاهده نمود که دیگر مقاومت ممکن نمی شود و همچنین نظر به اضطراب فوق العاده ای که از حضور قفقازیهای قزوین حاصل کرده بود کابینه ذیل را تشکیل داد:

وزیر امور خارجه و کفیل ریاست وزراء: سعدالدوله	
وزیر مالیه و رئیس الوزراء (بعد از مراجعت از اروپا): ناصرالملک	
وزیر جنگ	فرمانفرما
وزیر داخله	مستوفی الممالک

مؤتمن الملك
مشیر الدوله
مخبر الدوله
مهندس الممالك

وزیر علوم
وزیر عدلیه
وزیر پست و تلگراف
وزیر فوائد عامه

در دهم ماه مه [۲۰ اردی بهشت؛ ۱۹ ع ۲] اعلانی به اسم شاه چاپ و زیاد منتشر نمودند. این اعلان مشعر بود به برقراری مشروطه سابق و اظهار می نمود که قانون انتخابات را فوراً يك کمیته ترتیب خواهد داد و مجلس شورای ملی هم بعد از اینکه دو ثلث و کلاء انتخاب شده و در مرکز حاضر شدند افتتاح خواهد یافت. در همان موقع اعلان دیگری را هم منتشر نمودند که به موجب آن اعلان عفو عمومی داده شد.

در یازدهم و ۱۲ ماه مه [۲۱ و ۲۲ اردی بهشت؛ ۲۰ و ۲۱ ع ۲] شورای مملکتی برای مذاکرات در قانون انتخابات منعقد گردید. بیست نفر از اعضاء را انتخاب نمودند که تشکیل کمیته ای برای ترتیب قانون انتخابات بدهند. در ۱۳ و ۱۴ ماه مه [۲۳ و ۲۴ اردی بهشت؛ ۲۲ و ۲۳ ع ۲] متحصنین که تقریباً ۴ ماه بود در سفارت عثمانی بودند شروع به خارج شدن نمودند و تا ۱۵ ماه مه تقریباً تمام خارج شدند.

در ۱۴ ماه مه کابینه جدید اعلانی منتشر نمود که اشخاصی که بی احترامی به ملتیان یا نمایشی برضد مشروطه بدهند سخت مجازات خواهند شد. در ۱۷ ماه مه [۲۷ اردی بهشت؛ ۲۶ ع ۲] يك اعلانی دیگر منتشر نمودند و نظم شهر را به عهده بریگاد قزاق واگذار کردند. در همان روز شاه از باغ شاه به سلطنت آباد حرکت نمود. نظم تا به حال در طهران برقرار بوده است.

www.adabestanekave.com

تبریز

موجبات ورود قشون را راپورت دادیم. بمجرد اینکه قشون روس نزدیک شهر رسید اردوی دولتی که شهر را محاصره داشتند متفرق شده و روز ۳۰ ماه آوریل [۱۰ اردی بهشت؛ ۹ ع ۲] اولین دسته قشون روس مرکب از یکصد و هشتاد نفر بدون هیچ حادثه به شهر قدم گذاشتند و دنباله قشون نیز همان روز وارد گشتند. ۳ ماه مه [۱۳ اردی بهشت؛ ۱۲ ع ۲] قشون روس در تبریز بود که ژنرال «اسنارسکی» به مسیو «راتیسلا» [راتیسلا] اظهار داشت که چهار هزار قشون در فرمان من می باشند. در اول ماه مه پستخانه تعطیل شده شروع به کار نمود و در چهارم مه [۱۴ اردی بهشت؛ ۱۳ ع ۲] خبر رسید که رحیم خان از اطراف تبریز با چپاول زیاد کناره گرفت و اعلان مورخه ۱۰ ماه مه در خصوص استقرار مشروطیت از طرف شاه منتشر و بخوبی از طرف ملت پذیرفته شد.

اگر چه ملتیان می خواستند شاه برای نگهداری قول خود ضامنی داده و اهالی را مطمئن نماید. ولی ژنرال قسولهای روس و انگلیس به اهالی نوید دادند تا موجبات اصلاح ذاتالبین ملت و دولت را فراهم آرند. بنابراین ملتیان قول دادند برای اسکات عموم به سامان

غرب و نقاط دیگر آذربایجان نماینده فرستاده و اسباب دلگرمی ملتیان را فراهم نمایند و چند روز دیگر به رشت و اصفهان تلگراف کردند تا اهالی راه مسالمت پیش گرفته مخاصمت را ترك و با شاه از در آشتی درآیند. شب ۱۰ ماه مه در نزدیکی قسولخانه روس تیری چند به قراولهای روس انداخته شد و يك نفر قراول در بازوی خود زخم بدی برداشت. ملتیان مبلغ سه هزار تومان غرامت کشیدند و در ۱۲ ماه مه عین الدوله با يك عده قزاق ایرانی به طهران مراجعت نمود ولی به قزاقها حکم شد به تبریز مراجعت کرده و انتظام شهر را به عهده گیرند. اجلال الملك که یکی از رؤسای آزادیخواهان محسوب می شد و سه روز پیش بواسطه تعیین او بسمت نایب الحکومگی اسباب رضایت اهالی فراهم آمده بود این دستور را داد.

رشت

در این ماه شهر سکونت تام داشت و بهیچ وجه آثار اغتشاش مشهود نمی شد. مگر اینکه يك نفر ملای منفور ملت مقتول و گویا این اقدام از طرف ملتیان باشد.

قزوین

شب ۴ ماه مه دسته سواری از ملتیان که عده آنها ۴۵ الی ۲۰۰ نفر بود از رشت به قزوین وارد شدند. ترکیدن چند بمب و خالی شدن چند تیر هوایی کافی بود که قسمت بزرگ قشون ساخلوی قزوین تسلیم شوند. ولی مختصر جنگی نزدیک دارالحکومه سر گرفته و عصر روز ۵ ماه مه [۱۵ اردی بهشت؛ ۱۴ ع ۲] شهر تماماً به تصرف ملتیان درآمد و انتظام برقرار گردید و از قرار معلوم حاکم قبل از اینکه دارالحکومه بتصرف ملتیان درآید فرار نموده بود. قسمت دیگر قشون شاه سوارهای شاهسون و در تحت ریاست سردار مظفر بودند که پیش از جنگ به زنجان مراجعت کرده و مسافرین عرض راه را تماماً لخت می کردند و تفنگهای خود را در بین راه انداخته بودند که ملتیان تصرف کردند.

قاسم آقا که یکی از سرتیپهای قزاق و سابقاً در بریگاد قزاقخانه بود [و] در ۲۳ ماه ژون، هنگام بمباردمان مجلس بملاحظه پیشدستی در نزد دولتیان نام و نشانی پیدا کرده بود بتوسط ملتیان تیرباران شد. در ۱۱ ماه مه [۲۱ اردی بهشت؛ ۲۰ ع ۲] سپهدار از رشت وارد گشت و در همان روز نیز استعداد رشت رسید و از قرار معلوم قشون ملتیان در قزوین هزار نفر بودند. هر چند مخابره تلگرافی قزوین و رشت چند روزه مقطوع می باشد ولی مسافرین و مال التجاره رشت و طهران بدون مانع سالمأ عبور نموده و پست و کاروان مرتبأ وارد می شوند.

مشهد

حادثه این ماه ورود قشون روس است. در ۲۶ آوریل [۶ اردی بهشت؛ ۵ ع ۲] ۴ صاحب منصب و ۷۵ نفر قزاق و دو عراده توپ شنیدر با يك عراده توپ ماکسیم و ۳۵ نفر سرباز وارد شدند. هنگام ورود قشون عده ای سرباز ایرانی صف کشیده و استقبال نمودند.

نیرالدوله، حاکم رسمی، در نیشابور رحل اقامت گسترده و از ترس قدم به مشهد نمی‌گذارد. نیرالدوله معزول و رکن‌الدوله را دوباره به سمت حکومت برقرار نمودند. ولی هنوز از تهران حرکت نکرده است. دسته‌ای از رولوسیونرها که در اواسط ماه آوریل از استرآباد حرکت نموده بودند در نزدیکی میاندشت سیم تلگراف را قطع نموده و یک نفر تلگرافچی ایرانی را نیز کشتند و باز دومرتبه سیم را در نزدیکی سبزوار قطع نموده پس از چپاول سه رأس اسب از جاده عمومی خارج شده بطرف قوچان رفته‌اند.

تربت حیدری

سالارخان مشغول حکومت تربت است. هزار تومان مالیات و مقداری اسلحه از اشخاص متفرقه جمع‌آوری کرده. در چهارم آوریل [۱۵ فروردین؛ ۱۳ ع ۱] سالارمعززحاکم سابق در (سابوخ) از یاور اسدالله شکست خورده و فرار نمود.

سیستان

از قرار معلوم انجمن ایالتی مشهد به علمای بزرگ سیستان دستورالعمل داده که ممانعت از پرداخت مالیات نمایند. ملا مهدی و نایب‌الحکومه هر دو جواب مساعد داده و اظهار همراهی نموده‌اند که بقدر قوه ممانعت از تحصیل مالیات خواهند نمود. به کارگزاری سیستان اخطار شده که من بعد دستورالعمل خود را از کارگزاری مشهد که از طرف ملت انتخاب شده تحصیل نماید.

یزد

اوضاع حالیه اطراف و طرق و شوارع ابدآ آثار بهبودی نشان نمی‌دهد. دستجات دزدها مشغول چپاول و اهالی در معرض تظاول‌اند. از قرار انتشارات مخصوصاً یکدسته در رفسنجان ۱۶ پارچه ده را بعلاوه عده‌ای از کاروان غارت کرده‌اند. این دسته در نزدیکی خوش کوه به یک دسته کاروان بزرگی حمله برده که در آن هنگام دو نفر از اجزاء تلگرافخانه کمپانی انگلیس در کاروانسرا بودند و سالمآ به رفسنجان برگشته‌اند. از قرار معلوم دزدها ۴۰۰ شتر بسرقت برده‌اند.

کرمانشاهان

از قرار راپورت، در اواخر ماه آوریل ایل سنجابی و گوران مشغول جنگ بودند که خبر ورود قشون روس و استعداد بحری انگلیس به بوشهر تولید هیجان بزرگی نمود که کاپیتن «هونر» و همقطار روس او متفقاً توضیح اسباب ورود قشون را نمودند. خبر استقرار مشروطیت که در ۴ ماه مه [۱۴ اردیبهشت؛ ۱۳ ع ۲] انتشار یافت حکم شدیک‌شب شهر را آئین بسته و بازارها را چراغان نمایند. ولی مردم از شدت ذوق و اصرار تا سه شب چراغان نمودند.

همدان

در ۱۵ ماه مه [۲۵ اردیبهشت؛ ۲۴ ع ۲] از همدان راپورت تلگرافی رسید که سپهدار دستورالعمل به آزادیخواهان همدان فرستاده تا آنها هم مثل سایر نقاط از شاه خواهش نمایند. بنابراین و نظر به اعزام عده سواری اهالی بیرقهای ملی را در بالای خانه‌های خود نصب و اظهار شادمانی نمودند.

شیراز

در اوایل ماه آوریل، انجمن ایالتی دو اقدام مهم نمود: نصرالدوله را با ۲۰۰ نفر پیاده و یک عراده توپ برای اسکات و جلوگیری از چپاول انبار غله‌ها به نیریز فرستاد و به‌وجب حکم علیحده مشارالیه را به ریاست ایل خمسه گماشت. اقدام ثانوی بملاحظه قحطی و کمیابی آذوقه بود که بی‌اندازه باعث تولید اشکال می‌شد. بنابراین، بموجب رأی کمیته ۱۶ نفری، رأی داده شد کسانی که گندم انبار کرده‌اند مجبورند از قرار منی یک قران به خبازها بفروشند.

www.adabestanekave.com

بندر لنگه

وقتی که اخبار انقراض حکومت مأمورین شاه از بوشهر به لنگه رسید، در ۲۵ ماه مارس [۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۷] اهالی لنگه اعم از شیعه و سنی مصمم شدند که همچو اقدامی نیز در لنگه کرده باشند. این بود که عموماً بنزد شیخ شبر که یکی از بزرگان و ملاحی بانفوذ آنجا است رفته و به دستیاری او نزد نایب‌الحکومه رفته و تسلیم آن را درخواست نمودند. نایب‌الحکومه بواسطه نداشتن استعداد مجبور از تسلیم بود ولی دوبرتبه از طرف ملتیان به نایب‌الحکومگی برقرار گردید.

رئیس گمرک که یک نفر ارمنی بود به آن نیز اخطار شد تا تسلیم شود ولیکن مشارالیه از بیم جان به قنصلخانه روس پناهنده و متحصن گردید تا در پنجم ماه آوریل بتوسط نایب‌الحکومه از طرف ملت تحصیل امنیت نمود و از قنصلخانه خارج و در تحت نظارت ملت به سر کار خود رفت.

شیعه و سنی از ترس اینکه مبادا اموال خود را در معرض تاراج دزدان داخلی گذارند در بیرون شهر سنگربندی کرده راه لار و بندر عباس را مسدود نمودند. اهالی بندر لنگه از مشاهده اوضاع کنونی که به دستیاری ملتیان تظاهر می‌نماید اظهار ناامنی و ناراحتی می‌نمایند ولی از ترس اینکه مبادا اظهار تنفر باعث شود در معرض تاخت و تاز اشرار لار و ایلات دیگر واقع بشوند مجبوراً ایام خود را در سکونت می‌گذرانند. و بهمین ملاحظه خیلی مایلند که کشتیهای جنگی انگلیس بنادر را اشغال نمایند.

محمره

در ۲۷ ماه مارس سردار ارفع با کارگزار به گمرکخانه آمده و به مفتش کل گمرکات اخطار نمودند برای اینکه مبادا از طرف ملت اقدامی در خصوص جمع‌آوری گمرکات بشود

لازم است که مأمورین قبلا عایدات گمرک را در خود گمرکخانه ضبط نمایند. مفتش کل این مسئله را قبول نموده و اظهار داشت بنابراین باید همیشه کشتی «مظفری» را در محصره نگاهدارند.

ضمیمه اتفاقات

فارس

اخبار تازه این است که نصرالدوله باتفاق علیقلی خان لار را تصرف کردند و سید جعفر را محبوس و از قرار معلوم سید ابوالحسن را نیز دستگیر نموده‌اند.

صد نفر لاری در بندر عباس به قنصلخانه انگلیس پناهنده شده و درخواست می‌نمایند که قنصلگری اقدامات لازمه نموده و نگذارد نصرالدوله لار را تصرف نماید ولی همان روز ۱۳ مه متحصنین از قنصلخانه خارج شدند و به آنها قول داده شد که مطالب را به طهران تلگراف نمایند.

بمجرد اینکه خبر فتح نصرالدوله به شیراز رسید حاجی علی آقا که یکی از علمای بزرگ شیراز است به قنصلخانه انگلیس پناهنده شد. از قراری که مشاراله اظهار می‌دارد سید ابوالحسن کشته شده و این اتفاق بعد از اعلان عفو عمومی است و احتمال دارد سایرین نیز مثل سید ابوالحسن کشته گردند.

در ۱۵ ماه مه [۲۵ اردیبهشت؛ ۲۴ ع ۲] ۸ نفر از رؤسای ملتیان به قنصلخانه متحصن شدند و جمعیت زیاد هم دور قنصلخانه را احاطه کرده‌اند و بازارها عموماً بسته است حاکم و قوام این مسئله را تکذیب کرده و اظهار می‌دارند که سید ابوالحسن سلامت است و بعد از دادن اطمینان متحصنین و حاجی علی آقا همان شب از قنصلخانه خارج شدند و جمعیت نیز متفرق گردیدند و تا ۱۷ ماه مه بازارها بسته بود. «مسترییل» گمان می‌کند که ورود نصرالدوله به شیراز باعث هیجان بزرگی خواهد شد. دستورالعمل لازمه به مسترییل داده شده تا لزوم اتفاق تمام دستجات را برای اصلاح و جلوگیری از اغتشاش به اذهان عموم القاء نماید.

نمره - ۴۳

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲] ۱۳۲۷ [از طهران

پس از مراسله آخری من در خصوص اوضاع تبریز، احوال آن شهر بکلی تغییر پذیرفته است. جنگ موقوف و شهر در تصرف قشون روس موقتاً مشغول اسکات سایر نقاطند و مقدمات اصلاح را فراهم می‌آورند. حوادثی که باعث ورود قشون بود اگر بخواهم اجمالاً راپورت بدهم شاید خوشایند نباشد ولی ورود قشون روس علاوه از اینکه موجب تأمین اتباع خارجه گردید که مقصد عمده بود اتفاقاً اهالی تبریز را از بلای تسلیم به قشون شاه نجات داد و همچنین اسباب موفقیت نمایندگان دولتین را فراهم آورد چرا که اقدامات

نمایندگان در خصوص استقرار مشروطیت بی نتیجه نماند. البته فراهوش نمی شود که در کاغذ آخری خود نوشته بودم آذوقه شهر بکلی تمام شده و بهمین ملاحظه نمایندگان دول خارجه از شاه درخواست نمودند که برای اتباع خارجه حمل آذوقه شود. تعجب آنکه شاه در جواب اظهار داشته است اتباع خارجه در عوض آنکه تقاضای حمل آذوقه می نمایند خوب است از شهر خارج بشوند. حقیقتاً این جواب مضحکی است چونکه همه می دانند ملتیان ابداً راضی نخواهند شد که اتباع خارجه از شهر بیرون بروند چرا که اتباع خارجه در پیشگاه ملت بمنزله وثیقه ای است که اهالی را نوید سلامتی می بخشد. در ۱۹ این ماه مسئله امنیت اتباع خارجه اهمیت پیدا کرده است. از قرار خبری که ژنرال قنسولگریها برای سفارتین فرستاده اند نقشه حمله به قنسولگریها و منازل اتباع خارجه کشیده شده و باین وسیله اهالی امیدوارند که قشون روس داخل شده و جلوگیری از تعدیات قشون شاه نمایند. همچنین گمان می شد خطر بزرگی اتباع خارجه را استقبال نماید و اهالی قحط دیده به خانه های اتباع خارجه که بسبباً دارای آذوقه بوده حمله برده و تاراج نمایند. من و همکار روس من، اگر چه هر روزه منتظر دستورالعمل بودیم تا شاه را نصیحت نمائیم بلکه بواسطه آن دستورگشایی برای نقاط محصوره تحصیل بشود، با وجود این نظر به پیشامدهای خطرناک انتظار را مهلك دیده اضطراراً درخواست ملاقات نمودیم.

در ۲۰ این ماه [۳۰ اردی بهشت؛ ۲۹ ع ۲] برای محافظت هموطنان خودمان در تبریز و حمل آذوقه به آن شهر قحط خورده با شاه ملاقات نمودیم. چنانچه در تلگراف مورخه ۲۰ آوریل راپورت داده شد در این ملاقات موفقیت حاصل نمودیم و شاه قول داد تا مدت ۶ روز جنگ را متروک نمایند تا آذوقه کافی به شهر وارد شود و قرار شد به سردارها حکم متارکه بدهند.

بد نیست در اینجا یادآوری نمایم که در روز پیش سفیر کبیر انگلیس در سن پترزبورغ از وزیر خارجه روس استفسار نموده بود که آیا ممکن است دولت روسیه يك عدد قلیلی قزاق به تبریز بفرستد تا قسولها یا اتباع خارجه را که مایلند از شهر خارج بشوند آنها را به سر حد برسانند.

در ۲۰ ماه سر نیکلسن به دولت اعلیحضرتی انگلیس راپورت داد که دولت روسیه مصمم شده برای حمایت قسولگریها و اتباع خارجه به تبریز استعداد اعزام دارد، بلکه راه حمل آذوقه را آسان کرده و اگر اتباع خارجه بخواهند از شهر خارج بشوند آنها را به سر حد برسانند.

دولت اعلیحضرتی تمجیدات شایان و اظهار رضایت از اقدامات دولت روسیه می نماید که می خواهد سلامتی اتباع خارجه را به عهده گیرد. متارکه شاه اگر چه اعزام قشون را خالی از اهمیت می نمود ولی نظر به اتفاقاتی که اساس آنها ابداً معلوم نشد سردارهای شاهی در خصوص متارکه حکمی نداشتند و سهلتی نیز برای حمل آذوقه تحصیل نشد.

دو ژنرال قنسولها بعد از آنکه از متارکه جنگ اطلاع یافتند به ملتیان اصرار نمودند تا دعوا را موقوف بدارند. نظر به این که سردارهای شاهی به اخطار متارکه اعتنا نکردند قهرآ موقع نمایندگان دول خارجه را در نظر عموم ملت متزلزل ساخت و اوضاع مدهش

و هولناکتر از سابق پیش آمد.

بنابراین در ۲۳ ماه دولت روسیه حکم نمود که قشون بطرف تبریز حرکت نماید و به قشون تعلیمات لازمه داده شد که از هر نوع دخالت و زد و خورد مابین دو دسته احتراز نمایند و همچنین به مشاغل اداری نپردازند و قرار داده شد که بعد از خاموشی ناپیره جنگ قشون مراجعت نمایند.

نظر به خطراتی که اتباع خارجه را تهدید می کرد و ممکن بود که در آتیه تولید اشکالات بشود، پس از آنکه اهالی از ورود قشون اطلاع پیدا نمودند مسیو راتیسلو [راتیسلا] و مسیو میلر مصلحت چنان دیدند تا مطلب را مستقلاً به ملت اظهار دارند و این مسئله را پیشنهاد کردند. این بود که بعد از تصویب و تحصیل اجازه به ملتیان اطلاع دادند که ورود قشون نه برای محافظت منافع شاهی است بلکه برای محافظت تبریز و باز نمودن راه جلفا و حراست اتباع خارجه و داخله از قشون شاه به شهر می آیند و اقامت قشون تا مدتی خواهد بود که صلح مابین شاه و ملت انجام گیرد و با قطع نظر از ملیت کسانی که در این حوادث شرکت نموده اند اذیتی نخواهند دید و قشون شاه را هم نخواهند گذاشت که به شهر وارد بشوند.

هر چند که مختصر هیجانی برای ورود قشون روس ظاهر شد ولیکن انجمن و تقی زاده موقع را غنیمت شمرده در شب ۲۴ [۲ خرداد؛ ۳ ج ۱] با شاه مشغول مذاکره شدند. به شاه اصرار کردند تا با رعایای شاه پرست خود صلح نماید و راضی نشود که ایرانیان در نظر اتباع خارجه خوار و نقاط ایران به تصرف اغیار درآید. این اقدام موفقیت حاصل نمود و در ۲۵، شاه برای مدت غیرمعین اعلان متارکه داد و حکم کرد که ممانعت از حمل آذوقه ننمایند. نظر به وعده سابق شاه که بر خلاف آن جنگ را شروع کردند نقطه نظر حراست منافع اتباع خارجه تصویب نمی کرد که نمایندگان دول خارجه ورود قشون را خالی از اهمیت دیده و نگذارند که قشون روس به ایران وارد بشود. به این دلیل من و همکار روس من عقیده ژنرال قنسولها را تصدیق نمودیم و اعزام قشون را مانع نشدیم و در ۲۶ ماه [۵ خرداد ۱۲۸۸؛ ۶ ج ۱ - ۱۳۲۷] مسیو راتیسلو و مسیو میلر کاغذی به انجمن نوشته و اطمینان کامل در خصوص موقتی بودن اقدامات روس داده و علت اقدامات را نیز توضیح نمودند.

این اقدام در تبریز اثر خوبی بخشید که در ۲۹ این ماه ستارخان به ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی آمده و اظهار تشکر نمود چونکه این اقدامات در آتیه امیدبخش بود. در ۳ ماه آوریل قشون در تحت فرمان ژنرال اسنارسکی وارد شدند. عده قشون تقریباً ۴ هزار نفر می باشد. ۲۵۰ نفر از آنها را در یکی دو روز پیش برای حفظ اتباع خارجه بدون هیچ حادثه به شهر وارد نمودند.

ژرژ [جرج] بارکلی

نمره - ۴۳

کاغذ سر بارکلی به سرادواری مورخه ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲۶ - ۱۳۲۷] از طهران

همینطوری که در مراسله ۱۶ ماه آوریل اطلاع داده شد خوانین بختیاری در اصفهان قرار گذاشتند که قشون خود را در ۲۱ ماه گذشته [۱ اردیبهشت؛ ۳۰ ع ۱] رو به طهران حرکت دهند. سردار اسعد در آن روز به اصفهان وارد نشده بود. نظر به نفاق و مخالفت‌های داخلی خوانین و عدم موفقیت در تحصیل جمع‌آوری وجوہات، حرکت قشون به تعویق افتاد. سردار اسعد در ششم این ماه وارد اصفهان شد و در ۱۱ در تحت ریاست خوانین سه‌هزار نفر بختیاری در بیرون اصفهان اردو زدند و تاکنون در بیرون شهر متوقفند. صمصام‌السلطنه توضیح داد که این اقدام برای جلوگیری از اغتشاش شهر است. دوام قشون شاه در خالدآباد که مردم عده آنها را بطور اغراق می‌گویند و بنا به شهرتی بالغ بر ۸ هزار نفرند وعده‌های شاهانه را نقض و تکذیب می‌نماید. هرچند که انجمن تبریز به اصفهان تلگراف نموده تا مواعیدشاه را بپذیرند، لیکن هنوز معلوم نیست که خوانین راضی به این وعده‌ها شده باشند.

از وزیر خارجه اطلاع تحصیل نمودم که قشون دولتی خالدآباد از بی‌پولی و بی‌آنوفگی در این چندروزه [شاید] به کاشان مراجعت بنمایند. بواسطه وجود بختیاری در اصفهان اغتشاش و دزدی وسعتی خارج از اندازه پیدا کرده و اوضاع شهر و اطراف و راهها بسیار خراب است. وجود ایل کوهکلویه [= کهگیلویه] در راه اصفهان و شیراز و ناامنی ولایات تجارت را بکلی معدوم نموده است.

بارکلی

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۴

کاغذ سر بارکلی به سر ادواری مورخه ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

افتخار دارم از اینکه در ضمیمه مراسله ۲۲ ماه گذشته راپورت بدهم از اینکه اوضاع بوشهر از ماه گذشته کمی تغییر نموده و بواسطه استعداد بحری کشتی «فاکس» نظم بطور خوبی برقرار شده است. در دهم این ماه دریابییگی حاکم جدید وارد و بطور شایسته پنیرفته گردید.

موقتاً قرار خوبی برای نگاهداری وجوہات گمرکی گذاشته شد. در موقعی که رسماً خروج استعداد بحری را به دولت ایران اعلام خواهم نمود شفاهاً نیز اظهار خواهم کرد که اگر طلب بانگ شاهنشاهی و اقساط آن خرج اول محسوب نشود برای دولت ایران عاقبت وخیمی پیدا خواهد کرد. در همین چند روزه استعداد بحری خارج خواهد شد

و در پیابگی مسئولیت تمام برای استقرار امنیت و آسایش اتباع خارجه به عهده گرفته است.

بارکلی

نمره - ۴۵

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ ماه مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردی بهشت ۱۲۸۸: ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

از اوضاع حالیه طهران می توان تصدیق کرد و امیدوار شد که در بین شاه و ملت استحکام مشروطیت اساس صلح را تشکیل خواهد داد. شاه ظاهراً برای رفع غائله اختیارات تامه به وزراء داده است. البته خوب است که شاه در این مقصد طریق مسالمت را مداومت نماید.

نظر به نصیحت سعدالدوله، در ۱۸ این ماه از پایتخت خارج شد و در سلطنت آباد به عمارت تابستانی خود رفت.

تا به حال وزراء خوب از عهده اوضاع برآمده اند و بطور خیرخواهی تقاضاهای ملت را گوش می نمایند.

در ابتدا يك اندازه مشکل بود که تقاضاهای دیگر ملتیان معلوم بشود چونکه راه مذاکره مابین مراکز ملتیان مسدود بود ولیکن کمیته ای که از رؤساء در طهران تشکیل شده و وزراء هم آن کمیته را برسمیت شناخته اند امید است که این کمیته پس از چندی از طرف عموم ملت مطالب خود را به وزراء القاء نمایند. تا کنون صورتی از تقاضاهای ملتیان به شاه پیشنهاد شده و آن تقاضاها به تصویب سپهبدان و اهالی تبریز هم رسیده است و آن صورت از این قرار است.

اولاً بیرون نمودن هفسدین مخصوصاً امیربهداد جنگ و مفاخرالملك. امیر بهادر هنوز پیش شاه است هر چند که ما اصرار به خارج نمودن آن [او] نمودیم ولی سعدالدوله به ما گفت لازم است بیش از این فشار نیآورده و بیطرفانه منتظر حوادث باشیم به دلیل اینکه خارج شدن این اشخاص داخل پروگرام رفورم ما نیست و همچنین نفوذ ایشان به اندازه ای کاسته است. مفاخرالملك نایب الحکومه طهران [بود] و تصور می کنند که او باعث قتل چند نفر از بستیهای شاهزاده عبدالعظیم شده است. من و همکار روس من اصرار زیاد به عزل آن [او] نمودیم و معزول شد لیکن هنوز در دربار است.

دوم، از ارادل طهران خلع سلاح نمایند. فرمائی صادر شده است تا حمل اسلحه را بدون اجازه منع نمایند. و اشخاصی را که تیر هوائی می اندازند مجازات کنند و آن فرمان نظم شهر را به عهده بریگاد قزاق واگذار کرده و باین سبب امید است که اجراء نمایند.

سوم، شاه قول صریح بدهد که مشروطه اولی دو مرتبه داده شود به انضمام ۱۷۰ ماده قانون که در ۱۹۰۷ به عنوان متمم منضم شده است.

فرمان ۹ این ماه این مسئله را درست توضیح نمی‌داد، لذا شاه اظهار نمود که به آن فرمان تغییر بدهند که معنای کلیه مشروطه اولیه را دارا باشد لیکن ملتیان فرمان علیحده را در این خصوص تقاضا می‌نمایند و یک همچو فرمانی از طرف سعدالدوله به شاه پیشنهاد شده است.

چهارم، دیگر قشون به پایتخت وارد نکنند.

استقرای که عنقریب روسها خواهند داد باید برای خلع سلاح قشون صرف بشود و بعد از پرداخت حقوق قشون غیرلازم را مرخص نمایند.

پنجم، تلگرافات سانسور نداشته باشند.

در ابتدا ملتیان پایتخت نمی‌توانستند تلگرافات خود را مطمئناً به نقاط دیگر مخابره نمایند حالا در این خصوص اطمینان تحصیل کرده‌اند و می‌توانند با نقاط دیگر مخابره نمایند.

ششم، شاه سعی نماید که قشون روس شمال ایران را تخلیه کند.

بواسطه ورود قشون بی‌شبهه تنفر زیادی در بین ملتیان تولید شده و همیشه در نظر دارند که آمدن قشون روس اسباب خوشوقتی شاه شده است. گویا فراهوش نموده‌اند که قشون روس در تبریز به فریاد آنها رسید.

همین‌طور که ۱۵ این ماه تلگراف نموده‌ام سعدالدوله گمان می‌نماید که اگر یک عده زیادی از قشون خارج بشوند اسباب رضایت خاطر اهالی خواهد شد.

من مسئله را به همکار روس خود اظهار نمودم، جواب داد که سعدالدوله در این خصوص با من مذاکره ننموده است.

هفتم، از استقرار مشروطیت علماء کربلا و نجف را مستحضر سازند. از قراری که من اطلاع دارم شاه مستقیماً اطلاع داده است.

هشتم، آزاد نمودن اشخاصی که در تفلیس گرفتار و محبوسند.

این مطلب را من به همکار روس خود اظهار داشتم و او عدم اطلاع خود را از این قضیه اظهار نمود و تلگرافی در این خصوص به فرمانفرمای قفقاز مخابره نموده است.

نهم، به متحصنین اطمینان امنیت بدهند که مشغول ترتیب قانون انتخابات باشند. این ماده بعد از عفو عمومی لغو شد.

دهم، بعد از انجام این مطالب در طهران و ولایات چراغانی نمایند.

تمام این مطالب باستثنای حضور امیر بهادر در دربار از حوزه نصایح ما خارج است. من و همکار روس من به این مطالب همراهی نکردیم. جوابی که وزراء داده‌اند به اصرار ما نبوده است و فقط بواسطه میل وزراء است که اصلاحی در امورات بشود. من و همکار روس من بعد از انتشار فرمان، دهم این ماه از طرف شاه در ولایات تعلیمات لازمه به قنصلخانه‌های خود داده‌ایم که به ملتیان اصرار نمایند بعد از آنکه شاه تقاضاها را قبول نمود نبایست مخالفت ورزند بلکه لازم است اسباب صلح دولت و ملت را فراهم نمایند. علاوه به ملتیان طهران نیز همین اصرار را کرده‌ایم و همین‌طور به سعدالدوله گفتیم بهتر آنست دولت کمیته ملتیان را که در طهران از رؤساء تشکیل شده رسماً شناخته و بتوسط

ایشان با سایر نقاط مشغول مذاکره بشود. همکار روس من مخصوصاً نفوذ خود را به سپهدار بکار برده ولی بدبختانه سپهدار در دست ۴۰۰ نفر قفقازی که همراه دارد گرفتار است. خیلی اسباب خوشوقتی است که تقاضاهای سابق از طرف ملتیان قزوین نیز تصدیق و امضا شد. از قرار معلوم ملتیان قزوین آنقدر لجوج نیستند که در بدو نظر متصور بود. گویا سپهدار تلگرافاً [= تلگرافی] تقاضا نموده که سریعاً این مقاصد را انجام بدهند لیکن معلوم است اشخاص کاری در میان آنها موجود است بنابراین گمان می‌شود اگر بنای زدوخورد باشد آثار غریبی از خود در قشون شاه یادگار خواهند گذاشت. قزاق که قشون مرتب است عده صحیحی ندارند و تا وقتی که ملتیان قزوین راضی نشوند اوضاع اصلاح نخواهد شد.

بار کلی

نمره - ۴۶

مراسله سر نیکلسن سفیر کبیر انگلیس مقیم پترزبورگ به سر ادوارد گری. مورخه ۲۵ مه ۱۹۰۹ [۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۵ ج ۱ - ۱۳۲۲] از پترزبورگ. دیروز به مسیو چریکف یادآوری نمودم نظر به سکونت اوضاع بوشهر استعداد بحری که چندی قبل برای حمایت اتباع خارجه وارد شده بود مراجعت نمودند. من اظهار داشتم ظاهراً اوضاع تبریز هم بهبودی حاصل نموده است و گمان می‌کنم دولت روسیه نیز عن قریب صلاح بداند که قشون خود را بالمره خارج و یا عده زیاد قشون را مراجعت دهد. مسیو چریکف اظهار داشت که ما منتظر تعیین حکومت می‌باشیم و خیلی مایلیم قشون را خارج نماییم چونکه توقف آنها در تبریز خسارت فوق‌العاده به خزانه دولتی وارد می‌آورد مسیو چریکف گفت بعد از آنکه مدت شش هفته بود که از جائی آثار اغتشاش بروز نمی‌نمود و اوضاع سکوت داشت دولت روسیه تلگرافی از ارومیه دریافت کرده مشعر بر اینکه در ارومیه هرج و مرج غریبی تولید شده است. دسته‌ای که بر ضد ملتیان بودند قیام و حاکم را که از طرف ملتیان تعیین شده بود اخراج و حاکم هم فرار نموده است و بعد از فرار اظهار نمود که دو مرتبه به رجم مفسدین مراجعت خواهم کرد. مستحفظین قسولگری روس مرکب از شش نفر سرباز هستند و باین دلیل دولت روسیه چنان صلاح می‌داند که یک دسته چهل نفری از تبریز به ارومیه اعزام دارد. البته در هنگام حرکت باید از دریاچه ارومیه عبور کنند چون کشتی قابل برای حمل اسبها نیست ناچار سرباز پیاده فرستاده خواهد شد.

نیکلسن

نمره - ۴۷

تلگراف سر بار کلی به سرادوار دگری مورخه ۶ ژون ۱۹۰۹ [۱۶ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۷ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تبریز

تلگراف ذیل را از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز دریافت نمودم.

حوادث عمده که باعث تحصن مردم شد از این قرار است:

در ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت؛ ۲۹ ع ۲] رئیس کمپانی راه شوشه به همکار روس من اصرار عاجلانه نمود که ستارخان مقدار ۲۲،۰۰۰ روبل خسارت به اموال کمپانی وارد آورده و لازم است که ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی ادعای این خسارت را نزد نایب الحکومه بفرستد.

مسیو میلر به من اظهار داشت که وجه خسارت را پیشنهاد نموده است. در ۲۶ ماه مه [۵ خرداد؛ ۶ ج ۱] در محله حکم آباد نزاعی مابین ستارخان و نایب حسین و نایب یوسف که این هر دو از اشرار شهرند واقع شد. یوسف با چند نفر از همراهانش چند تیری به خانه حسین انداختند ولی بدون هیچ حادثه تا بالاخره حسین به خانه نایب الحکومه ملتجی شد و بعد به عنوان تحصن به ژنرال قنسولگری روس پناهنده گردید.

همکار روس من از نایب الحکومه خواهش نمود تا به این قضیه رسیدگی نماید. نایب الحکومه رسیدگی کرد ولیکن اقدام منتج ننمود. بنابراین یک دسته از قشون روس در ۲۹ ماه مه به محل نزاع رفته یوسف و برادرش را با ۴ نفر از همراهانش که برخلاف حکم حاکم مسلح بودند دستگیر و بعد دو نفر از آنها را مرخص کردند.

نمره - ۴۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوار دگری مورخه ۸ ژون ۱۹۰۹ [۱۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مشهد

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد به من مخابره شده است.

۴ روز قبل، بعد از آنکه سوء قصدی نسبت به کارگزار شد یکی از رؤسای خدام حرم را در خانه خود کشتند. در نزدیکی دو ژنرال قنسولگری تیر زیادی انداختند و یکی دو تیر هم به عمارت خورد. امروز در انجمن یک نفر کشته گردید.

هر چند اوضاع بسیار خطرناک و مهم است ولیکن برای اروپائیها جای ترس و نگرانی نیست.

نمره - ۴۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۸ ژون ۱۹۰۹ [۱۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

قزوین

سپهدار به حکومت هازندران و گیلان تعیین شد و قول داد که بمحض تعیین حکومت قزوین به رشت حرکت نماید.
اوضاع قزوین بهتر شده است و بموجب راپورتی که از نایب سفارت روس رسیده است عده زیادی از رولوسیونرها به رشت مراجعت خواهند نمود.

نمره - ۵۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۱ ژون ۱۹۰۹ [۲۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

اوضاع ارومیه

تلگراف ذیل مورخه ۹ ژون [۱۹ خرداد؛ ۲۰ ج ۱] از ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز مخابره شده است:

از ارومیه هیئتی به تبریز آمده اند تا اینکه موانع آسایش خود را به دولت ایران پیشنهاد نمایند. از قراری که می گویند اوضاع ارومیه بواسطه اکراد خیلی خراب است و اهالی مایلند که محتشم السلطنه بهمراهی قشون کافی دوباره به حکومت آن سامان منصوب گردد. ولیکن گمان می کنم محتشم السلطنه این مسئله را قبول ننماید.

من با این هیئت مذاکره نموده ام و به آنها گفتم لازم است اندازه ای صبر نمایید. بنا به مذاکرات، اهالی می خواهند عموماً به ویس قنسولگری روسیه پناهنده شوند.

همکار روس من اظهار داشت که این هیئت تقاضا نموده اند که ۳۰۰ نفر قشون به ارومیه اعزام شود ولیکن همکار روس من معذرت خواسته است.

نمره - ۵۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۱ ژون ۱۹۰۹ [۲۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مشهد

راجع به تلگراف مورخه ۱۸ ماه مه [۲۸ اردی بهشت؛ ۲۷ ع ۲] من این تلگراف از ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی در مشهد مخابره شده است.

من و همکار روس من اطمینان داریم که شهر در حالت بحران، و اوضاع دوباره خراب و پریشان است.

ممکن است هر دقیقه صدمات زیاد اتباع خارجه را احاطه نماید و در این موقع محال

است که حاکم به مشهد قدم بگذارد و مردم در خیالند که معاون حکومت را اعدام نمایند و ابدآ آثار بهبودی در اوضاع مشاهده نمی‌شود. بعد از ملاحظات دقیق نظر به حفظ انتظام شهر و حراست اتباع خارجه من پیشنهاد همکار روس خود را در خصوص تکثیر قشون تصدیق نمودم.

حاکم جدید رکن‌الدوله در ۵ ژون از طهران حرکت نموده و ما هر چه ممکن بود مردم را وادار کردیم که با ورود او ضدیت ننمایند.

نمره - ۵۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ژون [۲۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

پیشنهاد در خصوص تخفیف قشون تبریز.

این تلگراف از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مخابره شده است. از ژنرال قنسول روس اطلاع حاصل نمودم که دیروز با ژنرال اسنارسکی در خصوص تخفیف قشون صحبت نموده است. ژنرال قنسول می‌گفت که ژنرال اسنارسکی با من هم عقیده است و بنا است بدوآ توپهای صحرائی و هوتدز را به روسیه مراجعت دهند. چون اردوگاه موقتی قشون در تابستان دارای حفظ‌الصحه نبود اعلیحضرت شاه، باغ خود را موسوم به باغ شمال اردوگاه معین نمود و بهمین زودی به آنجا حرکت خواهند کرد.

نمره - ۵۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژون ۱۹۰۹ [۲۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

تلگراف ذیل از بوشهر مخابره شده است:

در این چند هفته اخیر از مجلس تجارتنی بوشهر خواهش نموده‌اند که به شما پیشنهاد نمایم که اقدامی در خصوص امنیت راهها بنمایید.

در ۱۲ ژون کفیل ژنرال قنسولگری روس که در ششم ژون با یک نفر قزاق از شیراز حرکت کرده بود به من تلگرافی نموده مشعر بر اینکه در عرض راه چند تیری به همراهان او شلیک شده و یک اسب قزاق هم گلوله خورده. خود کفیل از خطر سلامت جسته، اگرچه اسبش زخم‌دار شده است.

نمره - ۵۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژون ۱۹۰۹ [۲۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

نظر به ناامنی راههای جنوب راجع به حادثه‌ای که در تلگراف امروزی خود راپورت دادم گمان نمی‌کنم در اوضاع آثار بهبودی ظاهر شود مگر اینکه شاه ظل‌السلطان را به حکومت آن سامان برقرار نماید و یا اینکه یک دسته مستحفظ برای امنیت راهها تشکیل داده و حقوق آنها را مرتباً برسانند و امنیت را به عهده آنان محول دارند. لیکن در این مسئله همانطوری که مجلس تجارتي بوشهر پیشنهاد نموده اقدام خواهم کرد. در خصوص مراجعت ظل‌السلطان من مذاکره ننمودم لیکن از قرار معلوم در مقابل دعوت دولتی سکوت اختیار کرده و جوابی نداده است.

نمره - ۵۵

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژون ۱۹۰۹ [۲۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۱ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

تبریز و مشهد

مسیو ایزولسکی اظهار نمود که دولت روسیه مصمم شده است فوراً عده‌ای از قشون تبریز را مراجعت داده و بقیه را نیز متدرجاً برگرداند تا بکلی نقاط تبریز را تخلیه نمایند. دولت روسیه یک دسته قزاق به مشهد و عده دیگر به اردبیل خواهد فرستاد تا از چپاول شاهسون که باعث تحصن مردم به قنصلخانه روس شده است جلوگیری نمایند.

نمره - ۵۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ ژون ۱۹۰۹ [۲۷ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۸ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل از ژنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم اصفهان مخابره شده است: امروز سردار اسعد به دیدن من آمد و اطلاع داد که مصمم شده است با بعضی خوانین دیگر بطرف طهران عزیمت نماید. سردار اسعد استعداد خود را اظهار ننمود ولی از قرار راپورتهای خارج معلوم می‌شود که استعداد سردار اسعد عبارت از ۱۰۰۰ نفر مسلح و یک عراده توپ صحرائی است. مشارالیه اظهار نمود مادام که قشون شاه به او حمله نکنند او جنگ نخواهد کرد. نقشه او هنوز معلوم نیست ولی احتمال دارد که از راه نیزاز قم عازم بشود. حرکت سردار اسعد برای این است که وزراء را وادار نماید تا مشروطه را بطور صحیح اجراء نمایند.

نمره - ۵۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژون ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

چنانکه در تلگراف ژون خود راپورت دادم به دربار دولتی خبر رسیده است که ۱۰۰۰ نفر بختیاری از اصفهان حرکت نمودند. از این خبر دربار و وزراء و کابینه بی‌اندازه مضطربند. گمان می‌شود که بختیارها بطرف کاشان خواهند آمد ولیکن در آن نقطه عده‌ای از قشون دولتی موجود است. رئیس قشون امیر مفخم در طهران است و می‌ترسد که دولت پول ندهد و استعداد کاشان به قشون سردار اسعد ملحق شوند.

نمره - ۵۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژون ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مشهد

تلگراف ذیل به تاریخ ۱۸ ژون از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد مخاطره شده است: در ۱۶ ماه رکن الدوله حاکم جدید وارد شد. شهر و تلگرافخانه هنوز در دست ملتیان است و عجلتاً حکومت بی‌اقتدار می‌باشد.

نمره - ۵۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژون ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز وزیر امور خارجه به دیدن من آمد و از جریان اوضاع حاضر بطوریکه من در ۱۷ و ۱۹ این ماه راپورت دادم صحبت نمود. جناب وزیر اظهار داشت که سردار اسعد با ملتیان قزوین مشغول مذاکره است و حالا هم با يك استعداد زیادی اسماً برای مجبور نمودن حکومت و انجام مشروطه می‌آید هر چند که دولت بدون قوت دقیقه‌ای شروع به اجراء پروگرام دولتین نموده است.

سعدالدوله اظهار نمود که مقصود از این ملاقات این است که به شما از قول شاه اطلاع بدهم که صبر دولت تمام شده و مصمم شده است که امیر مفخم را اعزام دارد تا اتباع خود را جمع‌آوری نموده و از پیش آمدن سردار اسعد جلوگیری نماید من اظهار نمودم که این اقدام باعث جنگ داخلی خواهد شد و من این اقدام را تصویب نمی‌نمایم و نصیحت می‌کنم که در مقابل اقدام مصلحانه بشود.

سعدالدوله جواب داد که اقدامات صلح‌آمیز بی‌نتیجه خواهد بود و دولت یکی دو روزه منتظر خواهد شد شاید که شما بتوانید راهی پیدا نمایید تا از سردار اسعد جلوگیری شود. من جواب دادم که کاری از من ساخته نیست و نمی‌توانم اقدامی نمایم مگر اینکه از

وزارت خارجه لندن دستورالعمل برسد. من پیشنهاد می‌نمایم که دستورالعمل به ژنرال قسولهای روس و انگلیس مقیم اصفهان داده شود که نزد سردار اسعدرفته و اطلاع دهند که دولتین نصیحت می‌نمایند که شما به اصفهان برگشته و دست از این اقدامات بردارید. من غیررسمانه به سعدالدوله نصیحت نمودم که بدون فوت دقیقه‌ای قانون انتخابات را منتشر نمایند. سعدالدوله اظهار داشت که تمام ولایات این قانون انتخابات را تنقید می‌نمایند. من گفتم محال است که به تمام مردم حالی کرد که این قانون را اشخاص کافی و باعلم مرتب نموده‌اند و بعلاوه در پروگرام دولتین ذکر نشده که باید قانون را به ولایات پیشنهاد کرده و از آنها کسب تکلیف نمود. سعدالدوله اطمینان داد که در ۲۱ این ماه قانون انتخابات را منتشر خواهد نمود.

نمره - ۶۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ ژون ۱۹۰۹ [۳۰ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱ ج ۲ - ۱۳۲۲] از قلهک.

قشون روس در تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۲۰ ژون از ژنرال قسول اعلیحضرتی مقیم تبریز به من رسیده است. دو دسته سرباز و یک باطری هوتنز دیروز به روسیه مراجعت نمودند و امروز هم قشون همانطور که در تلگراف ۱۲ ژون اطلاع داده بودم محل اقامت خود را تغییر دادند.

نمره - ۶۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژون ۱۹۰۹ [۳۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۲ - ۱۳۲۲] از قلهک.

ظل السلطان

از قراری که وزیر امور خارجه اطلاع داد در شرف مراجعت است. چندی قبل از طرف دولت ایران ظل السلطان به حکومت فارس نامزد شده بود و می‌خواستند که به ایران برگردد. در این روزها ظل السلطان بموجب تلگراف پس از اظهار تشکرات دعوت را قبول نموده است.

www.adabestanekave.com

نمره - ۶۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژون ۱۹۰۹ [۳۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۲ - ۱۳۲۲] از قلهک.

مستر گراهم به من اطلاع داد که بختیاربها از راه نيزار بدون اینکه به کاشان بگذرند پیش می‌آیند.

بنابراین بختیارها با قشون دولتی ساخو کاشان خیال جنگ ندارند.

نمره - ۶۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ ژون ۱۹۰۹ [۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۴ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مسیو سابلین اظهار داشت که ۷۰ نفر قفقازی در میان رولوسیونرهای قزوین که عده آنها بالغ بر ۱۷۰ نفر است می‌باشند و از رشت هم استعداد خواسته‌اند.

نمره - ۶۴

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۳ ژون ۱۹۰۹ [۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۴ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

هر اقدامی که در شکل دخالت به امور داخلی ایران باشد ممنوع است. لکن باید اقدام مجدانه کرد و نگذاشت که سردار اسعد به طهران برسد. خوب است که شما توضیحاتی در خصوص پروگرام رفورم دولتی به ایشان بدهید.

نمره - ۶۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۴ ژون ۱۹۰۹ [۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۵ - ۱۳۲۷] از طهران.

شاه دیروز قانون انتخابات را امضاء نمود.

نمره - ۶۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ ژون ۱۹۰۹ [۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۶ - ۱۳۲۷] از قلهک.

پیش‌آمدن بختیارها

در طهران هر دو طرف در اضطرابند. ملتیان می‌ترسند که مورد حمله آخری مستبدین واقع بشوند و مستبدین واهمه ورود رولوسیونرهای قزوین و بختیارها را دارند. سردار اسعد امروز صبح زود وارد قم شد و امشب هم ژنرال قنصل روس وارد خواهد شد. بختیارهایی که به قم وارد شده‌اند تقریباً ۵۰۰ نفر می‌باشند و تلگرافی به سپهدار نموده‌اند که سردار اسعد با ۱۰۰۰ نفر بختیاری می‌آیند و تماماً در تحت فرمان سپهدار خواهند شد. این مخابره را در طهران فهمیده‌اند. این تلگراف بی‌اندازه باعث تشویش و اضطراب دولتیان شده است. لیکن من گمان می‌کنم که عده قشون بختیاری را خیلی اغراق گفته‌اند. ژنرال

قنسول اصفهان به من اطلاع داده که دسته‌ای دیگر از بختیاری مسلح مرکب از ۱۰۰۰ نفر در اصفهان منتظر نتیجه ملاقات ژنرال قنسول با سردار اسعد می‌باشند هر چند که آن دسته نیز حاضر حرکت شده‌اند.

www.adabestanekave.com

نمره - ۶۷

تلگراف سربارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ ژون ۱۹۰۹ [۶ تیر ۱۲۸۸: ۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

دیروز ژنرال قنسول اعلیحضرتی ملاقات مفصل از سردار اسعد نمود. در آن ملاقات اظهار داشته که حرکت ایشان به قم از طرف سفارتین خیلی به نظر بی‌موقع می‌آید و بعلاوه اسباب تولید اشکالات در جریان اوضاع حاضره می‌نماید. مشروطه برقرار و اقدامات تأسیس مجلس بطوریکه دولتین سفارش نموده‌اند در شرف انجام است. ژنرال قنسول به سردار اسعد واضح نمود که پروگرام دولتین بهیچوجه در ضد استقلال ایران نیست. سردار اسعد جواب داد که سفارتین گول خورده‌اند و بهیچوجه شاه جداً خیال استقرار مشروطیت را ندارد. باز اظهار داشت که از قم حرکت نخواهد کرد تا اینکه مجلس منعقد بشود. و گفت مقصود عمده من تأسیس صلح است و بهمین ملاحظه از حرکت استعداد اصفهان جلوگیری نمودم.

عجالتاً مشغول ترتیب تقاضائی هستم که از طرف تبریز و رشت و مشهد و نقاط دیگر هم تصویب شده است و امیدوارم که شما هم به این تقاضاها مساعدت نمایید.

نمره - ۶۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۸ ژون ۱۹۰۹ [۷ تیر ۱۲۸۸: ۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

کفیل ژنرال قنسولگری اصفهان اطلاع می‌دهد که صلح مابین بختیارها انجام گرفت. در ۲۹ این ماه سردار محتشم و صدصام السلطنه به اردوی اصفهان ملحق خواهند شد. گمان می‌شود که سردار محتشم بعد از این به سردار اسعد ملحق گردد.

نمره - ۶۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۸ ژون ۱۹۰۹ [۷ تیر ۱۲۸۸: ۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل از مستر راتسلو [= راتیسلا] مخابره شده است:
به ژنرال فرمانده قشون روس دستورالعمل رسیده است که از حرکت بطرف روسیه عجالتاً صرف نظر نمایند.

نمره - ۷۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۹ ژون ۱۹۰۹ [۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۰ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

من از سفارت روس اطلاع حاصل نمودم که ۹۰۰ نفر از مجاهدین قزوین بیش از چهل میل از پایتخت دور نیستند. وزراء در اضطراب و منتظر مساعدت استقراض هستند که آنها را از این بلیه نجات دهد. شرایط پروگرام ما این است که بعد از انتشار قانون انتخاب و يك پروگرام صحیحی برای مخارج آنوقت مساعدت استقراضی داده بشود. مسیو سابلین و من گمان می‌کنیم که باید این پیشامدها را به جریان طبیعی محول نماییم و اگر شاه خواست که اقدامی نماید البته مانع نخواهیم شد و اگر از طرف شاه کمکی از ما درخواست شود جواب این خواهد بود که اگر پارسال گوش به نصایح ما می‌داد البته اوضاع اینطور نمی‌شد و این بحرانهای مدهش پیش نمی‌آمد.

در قم و کاشان اقدامات لازمه برای جلوگیری ملتیان بعمل آمده است. سردار اسعد به مسیو گراهم گفته است که در خود طهران مابین ملتیان ترتیبی داده شده است که بمجرد ورود قشون بختیاری آزادیخواهان طهران شهر را تصرف نمایند.

نمره - ۷۱

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۲۹ ژون ۱۹۰۹ [۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۰ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع داد که شارژ دافر روسیه مقیم طهران تلگرافی به این مضمون مخابره نموده است: نظر به عزیمت بختیاری و فداییها به سمت طهران آیا صلاح نیست که در صورت لزوم دولت روسیه تهیه‌ای برای اعزام قشون به پایتخت بنماید؟ مسیو سزانوف اظهار نمود اگر چه دولت امپراطوری خیلی متأسف از لزوم چنین اقدامی خواهد بود چونکه هیچوقت مایل به دخالت امور داخلی ایران نبوده، لیکن مجبور است که اتباع و نمایندگان خارجه را محافظت نماید. اگر حرکت رولوسیونرها بطرف طهران صورت خارجی پیدا نماید قزاقهای ایرانی که عجالتاً مستحفظ اتباع خارجه هستند البته نمی‌توانند از عهدت مهوریت خود برآیند و اگر قشون دولت امپراطوری تأخیر در عزیمت نماید قطعاً تولید اشکالات شده و باعث بدبختی خواهد بود.

مسیو سزانوف باز اظهار نمود که دولت امپراطوری نظر به لزوم اقداماتی که باید حفظ جان و مال اتباع خارجه را بنماید کشتیها را برای حمل قشون به بندر ایران در بادکوبه حاضر خواهد نمود.

نمره - ۷۲

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۳۰ ژون ۱۹۰۹ [۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۱ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

راجع به تلگراف بیروز من

کفیل وزارت خارجه اطلاع داد که دیروز نتیجه مشاوره خصوصی دولتی این بوده است که دولت مصمم شده تهیه اعزام قشون روس را به قزوین بنمایند. مقصود از فرستادن قشون این است [که] راه رشت و طهران را تصرف نموده بدون اینکه داخل پایتخت بشوند؛ و دولت روسیه ابداً میل ندارد که قشون پایتخت را اشغال نمایند. کفیل وزارت خارجه تلگرافی را که شارژ دافر روسیه نموده بود به من نشان داد. اوضاع را خیلی پریشان و مدهش تصور می کرد. در آن تلگراف اشعار داشت که مسیو سابلین اظهار کرده است که بریگاد قزاق بی استعداد است و احتمال دارد که شاه به یکی از سفارتخانه‌ها پناهنده بشود. مسیو سابلین اصرار دارد که قشون قزوین را اشغال نماید. سؤال نمودم که در صورت عزیمت بختیاری به طهران واقعاً چه خطری متصور است. کفیل وزارت خارجه جواب داد که احتمال قوی دارد بانک و اتباع خارجه را غارت نمایند.

قوه‌ای که به قزوین فرستاده خواهد شد عبارت از ۱۰،۵۰۰ نفر است. مسیو سائوف اظهار داشت در صورتی که بختیارها از طهران صرف نظر نمایند دیگر قشون فرستاده نخواهد شد و گفت در هر صورت دولت روسیه حاضر است که ضمانت کافی برای اخراج قشون خود نماید.

نمره - ۷۳

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۳۰ ژون ۱۹۰۹ [۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۱ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

از راپورت این مطلب افتخار دارم که کفیل وزارت خارجه به من اطلاع داد که دولت روسیه مصمم شده است که در قشون تبریز تخفیف بدهد. جناب ایشان گفتند که اوضاع تبریز عجالاً طوری است که بیش از این تخفیف قشون را اجازه نمی دهد. دولت روسیه منتظر ورود حاکم جدید و استقرار اقتدار اوست. در هر صورت قشون را خارج خواهیم کرد و لیکن عجالاً از ترس آنکه مبادا دوباره تولید اغتشاش باعث شود که قشون مجدداً عودت داده شود مجبوراً باید استعداد در تبریز توقف نماید. ممکن است اشخاصی مثل ستارخان و باقرخان دومرتبه مصدر امور بشوند و این ترتیب را دولت روسیه هیچوقت اجازه نخواهد داد.

نمره - ۷۴

تلگراف سر ادواردگری به مسیو اوبرون مورخه ۳۰ ژون ۱۹۰۹ [۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۱ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

امروز با سفیرکبیر روسیه صحبت نموده و به جناب ایشان گفتم یقین دارم هر قدر دخالت خارجه در امور ایران کمتر بشود جریان طبیعی بهتر خواهد بود اگرچه از اشکالات حالیه طهران بخوبی اطلاع دارم و اگر دولت روسیه طهران را تصرف نماید شبهه ندارم که نظم را برقرار خواهد کرد ولی بالمآل نتیجه این خواهد شد که ایرانیان تصور خواهند کرد که شاه به پشتگرمی روسها متصدی این امور شده است و تمام مملکت یکمرتبه از قبضه حکومت شاه خارج خواهند شد. عقیده من این است که بریگارد قزاق قوه کافی دارند و می توانند از این پیشامدها جلوگیری نمایند. من به کنت بنکاندوف [بنکندورف] گفتم بخوبی می دانم که دولت روسیه از این حوادث ایران چه اندازه خود را متضرر می بیند و بواسطه همسایگی دچار مشکلات خفیه است.

نمره - ۷۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه اول ژویه ۱۹۰۹ [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

در اصفهان سعی کامل دارند که برای سردار اسعد استعداد کافی تهیه نمایند. برای ملتیان قزوین از رشت استعداد فرستاده شده است و باید امروز به قزوین وارد بشود. از طهران بتوسط تلفون خبر رسید که امروز بازارها را بسته اند.

نمره - ۷۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه اول ژویه ۱۹۰۹ [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

از مشروطه طلبان قزوین تلگرافی برای سفارتخانه های خارجه مخابره شده است مشعر بر اینکه ترتیب بعضی مسائل مهمه با وزراء آنان را به طهران می کشانند. عموماً باشاه اظهار همراهی نموده و مطلقاً خونریزی را تکذیب می نمایند.

نمره - ۷۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲ ژویه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

پیش آمدن بختیاریها

سردار اسعد از قم حرکت نمود و با ۱۲۰۰ نفر بختیاری بظرف شمال رهسپار گردید.

نمره - ۷۸

تلگراف مسیو اوبرون به سرادواردگری مورخه ۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

اوضاع تهران

دیروز عصری با وزیر امور خارجه ملاقات نمودم. جناب وزیر اطمینان داد که دولت روسیه همان رویه عدم دخالت را خواهد داشت و بهیچوجه خیال ندارد که به شاه کمک نظامی نماید بلکه مقصود دولت روس آن است که راه انزلی و طهران را در دست داشته جان و مال اتباع خارجه را محافظت نماید. جناب وزیر اظهار نمودند اگر بنا شد به طهران قشون فرستاده شود باید عده کافی باشد و بدو هم قزوین را اشغال نمایند و لیکن هنوز اعزام قشون به قزوین و طهران معلوم نیست. مسیو ایزولسکی اظهار نمود که مسؤلیت سلامتی اتباع خارجه مقیم طهران به عهده دولت روس است. این مطلب باعث تسوید اشکالات بسیاری برای روسیه شده است.

نمره - ۷۹

تلگراف مسیو اوبرون به سرادواردگری مورخه ۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

مجملی از اعلان رسمی [را] که امروز در روزنامهها درج شده فیلا می نگارد: نظر به اوضاع هولناک ایران به فرمانفرمای قفقاز حکم شده که دسته‌ای از قشون و کشتی برای حمل آنها در بادکوبه حاضر نماید. این تهیه برای این است که در صورت پیش آمدن فدایی و بختیاری اگر هرج و مرج شد اتباع خارجه را محافظت نمایند و راه انزلی و طهران را در دست داشته باشند.

نمره - ۸۰

تلگراف سرادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

پیش آمدن به طهران

تلگراف اول ماه ژوئیه شمارا به کنت بنکاندورف [بنکندورف] نشان دادم و در همان وقت پیشنهاد نمودم در صورتی که دولت روسیه مایل باشد شما با همکار روس خودتان با ما جاهدین و اشخاصی که روبرو طهران عزیزت نموده‌اند ملاقات کرده و به آنها اخطار نمایید که چیزی که می‌تواند از دخالت دولتین جلوگیری نماید فقط عبارت از استقرار امنیت است. لازم است وقتی را تعیین کرد و مشاوره نمود که مشروطیت جدید در چه شکل اداره خواهد شد. اگر مشروطه طلبان میل دارند از شاه ضمانتی برای انجام مشروطیت تحصیل نماییم و در این صورت بایستی قبلاً صورت ضمانت را پیشنهاد نمایند.

نمره - ۸۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

دیشب بنا به خواهش شاه با همکار روس خود به قصر سلطنتی رفتیم. شاه اظهار داشت هر چند که ملت ایران دچار بی‌علمی هستند ولی من همیشه مایل بوده‌ام که در مملکت اساس مشروطیت پایدار باشد. نصایحی را که دولتین پیشنهاد نموده‌اند ملاحظه کرده و بهمین جهت مشروطه سابق را برقرار نمودم.

کلیه پروگرام روس و انگلیس را قبول کرده و سعدالدوله را برای انجام آن به خدمت گمارده‌ام. لیکن اشخاصی هستند که سعدالدوله را مستبد قلم می‌دهند و می‌گویند این مشروطه غیر از تقلب چیزی نیست. از ولایات استعداد خواسته شده بود و آنها نیز در شرف حرکت بودند در صورتی که سفراء به من مکرر گفته‌اند اگر پروگرام ما را به موقع اجراء بگذارید تمام اشکالات رفع خواهد شد. من هفت هزار نفر از قشون کسر نموده‌ام و حالا باید با پنجهزار نفر جنگ نمایم. مقصود از احضار سفراء این است که در خصوص اوضاع مشورتی بعمل آید. من در جواب یادآوری نمودم که نصایح دولتین چند ماه است داده شده ولی بدبختانه در وقتی اعلیحضرت شاه مصمم شده‌اند آنها را به موقع اجراء بگذارند که متأسفانه رشته اوضاع بکلی از قبضه اقتدار خارج شده است.

هر چند که در آن موقع به نظر ما بهترین راهی برای موفقیت شاه اجراء نمودن پروگرام بود لیکن اوضاع حالا طوری شده است که ما نمی‌توانیم بگوییم موفق خواهید شد.

من به اعلیحضرت شاه یادآوری نمودم که ما به‌او همراهی خواهیم کرد در صورتیکه شاه مشروطه باشند و همراهی ما این بود که بدو با سپهدار و سردار اسعد ملاقات نموده و آنها را وادار کردیم که از طهران صرف نظر نمایند اگر چه بدبختانه آنها قبول نکردند. عجب‌تر آنکه سردار اسعد تقاضاهای خود را نیز اظهار ننمود. در این موقع سعدالدوله گفت تقاضاهای سردار اسعد اولاً تخلیه تبریز و ثانیاً اخراج بعضی از وزراء است. شاه گفت مقصد اصلی فداییان چیز دیگر است و این تقاضاها را وسیله نموده‌اند.

من و شارژ دافر روس به شاه اطلاع دادیم که هر چند ما نمی‌توانیم عجالاً نصیحتی کرده باشیم ولی اطمینان می‌دهیم اگر موقعی پیش آمد نفوذ خود را برای اصلاح طرفین مبنول خواهیم داشت. شاه اسمی از تبریز نبرد و دیگر داخل مذاکره نشد و با یک حال‌وقاری از اطاق خارج گشت. این ملاقات بی‌اندازه رقت و افسرده‌خاطری را جلب می‌کرد.

نمره - ۸۲

تلگراف مسیو اوپرون به سر ادواردگری مورخه ۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

فرستادن قشون روس به ایران

هیئت وزراء مصمم شده‌اند که فوراً یک فوج سرباز با توپخانه و یک فوج قزاق به انزلی

بفرستند. به قشون دستورالعمل داده شده است که در قزوین منتظر باشند و در صورتی که سفارت روس حکم نمود برای حفظ اتباع خارجه به طهران عزیمت نمایند. احکام سخت به رئیس قشون شده است که بهیچوجه در کشمکش داخلی دخالت ننمایند و هم خود را برای محافظت جان و مال اتباع خارجه مبذول دارند.

نمره - ۸۳

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

وزیر امور خارجه به من اطلاع داد که به شارژ دافر روسیه مقیم تهران حکم شد تا مأموری از طرف سفارتین برای مذاکره با رؤسای آزادی طلبان که رو به طهران عزیمت کرده اند اعزام شود. جناب وزیر گمان می نمود که قشون روس تا ۴ روز دیگر برای حرکت حاضر خواهند بود و تا ۴ روز مقصود اصلی رؤسای ملتیان آشکار خواهد شد. تا وقتی که نمایندگان دولتین در مذاکرات خود تحصیل موفقیت ننمایند نمی توانیم حرکت قشون را تصویب نماییم.

www.adabestane-kave.com

نمره - ۸۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ۲ این ماه آن جناب دیروز عصر به من رسید و مضمون آن را به مسیو سابلین ارائه دادم. نماینده ای از طرف سفارتین نزد سردار اسعد و سپهدار برای مذاکراتی که در تلگراف اشعار شده بود فرستاده شد.

نمره - ۸۵

[۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۷] راجع به تلگراف امروز من

امروز از ماژور استوکس (که با ترجمان اول سفارت روس برای مذاکرات نزد سپهدار فرستاده شد) راپورت رسید که در شاه آباد مابین ملتیان و قشون شاه جنگ شده. قزاقها سابقاً از کرج به این نقطه آمده بودند برای اینکه اگر قشون ملتیان خواستند از اطراف به طهران حمله ور شوند بتوانند جلوگیری نمایند. در این جنگ ملتیان شکست خورده و ۱۲ نفر از آنها کشته شده است. در نزدیکی شاه آباد اشتباهاً چند تیری به ماژور استوکس و مسیو بارانوسکی انداخته شده ولی آنها سلامت به کرج رسیده اند.

نمره - ۸۶

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ مه ۱۹۰۹ [۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

در مراسله ۸ این ماه راپورت دادم که ملتیان اصرار دارند که باید شاه فرمان دومی که بمنزله شارح فرمان اول باشد صادر نمایند یعنی در آن فرمان توضیح بدهند که قانون اساسی با مواد متمم آن کمافی السابق معمول و مجری خواهد شد. من افتخار دارم تا ترجمه فرمانی را که در ۲۰ این ماه در این خصوص صادر شده است برای شما ارسال دارم. این فرمان ترضیه خاطر ملتیان را تحصیل نموده است.

بارکلی

ضمیمه نمره ۸۶

فرمان همایونی مورخه ۲۰ ماه مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ۲۹ - ۱۳۲۷] هر چند که رفاهیت و خوشوقتی رعایای ما که اولادهای معنوی ما هستند در پیشگاه ملوکانه ما منظور و اتحاد ملت و دولت مقصود عمده ذات همایونی ما بوده است، چون توضیح در هر امر باعث رفع اشتباه و حصول اطمینان است، پس برای اینکه مقصود خودمان را ظاهر ساخته و نیات مقدسمان را ثابت نماییم و برای اینکه اذهان عمومی را مطمئن و اسباب دلگرمی رعایا را فراهم نماییم، و همچنین توضیحی به فرمان سابق داده باشیم ما می نویسیم که مشروطه ایران بر وفق همان ۱۵۸ مواد قانونی برقرار است و این مواد مایه آسایش و ترقی ملت ایران خواهد شد.

محمد علی شاه قاجار مورخه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷

نمره - ۸۷

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۴ مه ۱۹۰۹ [۳ خرداد ۱۲۸۸؛ ۴ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

افتخار دارم که لفاً سوادى از مراسله ژنرال قنصول اعلیحضرتی در تبریز راجع به حوادث اخیره محاصره شهر برای شما تقدیم نمایم. موقع را غنیمت شمرده و می خواهم تشکرات صمیمانه خود را از ژنرال قنصول اظهار نمایم چون از وقتی که به سر مأموریت خود آمده کارها را خوب اداره می نماید.

ضمیمه نمره ۸۷

کاغذ ژنرال قنصول راتیسلا [راتیسلا] به سر بارکلی.

من افتخار دارم که مطالب ذیل را که در این اواخر محاصره رخ نهوده به نظر آنجناب برسانم. هرچند که زحمت همه روزه رو به زیادتی است و گندم ارك نزدیک به تمام شدن است لیکن تا اواخر ماه مارس ملتیان خودشان را بهیچوجه هولناك نمی‌پنداشتند. در اواخر ماه مارس ملتیان مصمم شدند که یکدفعه به مرکز دولتیان که در بارنج بود حمله نمایند.

این حمله در ۲۴ ماه مارس [۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷] بدون خسارت عمده اتفاق افتاد. یک دسته ۲۰ نفری از اشخاص کاری و در میان آنها چند نفر از قفقازیهای مسیحی یکی از مراکز دولتیان را متصرف شدند در صورتی که ۸ نفر از آنها مقتول و مجروح گشت. باقرخان که در همان طرف بود به این دسته کمک نکرد و با همراهان خود در پشت سنگرها بیکار نشسته بود. دسته‌ای هم از اهل شهر مسلح تا آخر نقطه که در دست ملتیان بود. رفته چند نفر از آنها بواسطه توپخانه دولتیان کشته شدند و بعد از آن جرئت نکردند که به دولتیان حمله نمایند.

در ۲۸ و ۲۹ این ماه [۸ و ۹ فروردین؛ ۶ و ۷ ع ۱] هم چند مرتبه از طرف ملتیان حمله شد لیکن بعد معلوم گردید که نمی‌توانند در حمله به قشون دولتی که عده‌شان خیلی زیادتر از ملتیان است فائق بیایند. توپخانه دولتیان که در بارنج بود تا این تاریخ فقط به سنگرهای ملتیان نزدیک خیابان شلیک می‌نمود لیکن در ۴ ماه [۱۵ فروردین؛ ۱۳ ع ۱] شروع به بمبارده شهر کرد و نتیجه این شد که چند نفر از اشخاص بی‌طرف کشته شد. قدری هم خسارت به عمارت‌های شهر وارد آمد. در ۸ ماه آوریل [۱۹ فروردین؛ ۱۷ ع ۱] قسولهای خارجه به سفارت‌های خود تلگراف نموده و تقاضای حمل آرد برای اتباع خود کردند. کسی امید نداشت که شاه این اقدام را اجازه دهد چنانچه در واقع این تلگراف هم اثری نبخشید. در این موقع خیلی از خارجه‌ها [=خارجی‌ها] در زحمت بودند و مخصوصاً اشکال زیاد آنها عبارت از تغذیه مستخدمین خود بود چون در ایران رابطه نوکر و آقا طوری است که این اقدام را لازم دارد. در این ایام تقریباً سه ربع دکانهای نانوائی بسته و گوشت هم خیلی بد و با اشکال زیاد تحصیل می‌شود. تلگرافی که شاه در جواب ثقة الاسلام مخابره کرده‌اند باندازه‌ای امیدبخش است. ثقة الاسلام (یکی از مجتهدین با نفوذ تبریز است) تلگرافی به شاه مخابره و درخواست اعطای مشروطیت نموده بود و شاه نیز جواب مساعد داده است لذا بتصویب انجمن ولی غیررسمانه در ۱۰ آوریل [۲۱ فروردین؛ ۱۹ ع ۱] به اردوی دولتی رفت و با سرکردگان ملاقات نمود. لیکن این ملاقات اثری نبخشید و اسباب یأس مردم زیادتر شد. نرخ ارزاق قدری تخفیف یافته چون اشخاصی که گندم انبار کرده بودند گمان اصلاح نمودند و گندم‌های خود را فروختند. در ۱۵ ماه [۲۶ فروردین؛ ۲۴ ع ۱] دسته‌ای از اکراد اردوی صمدخان بطرف پل آجی یورش بردند و اتباع ستارخان با حمله آنها را شکست داده و دو نفر را کشتند. در همان موقع توپخانه بارنج شهر را بمبارده نمود و چند عدد گلوله به انجمن که نزدیک محله اروپائیه است خورد. روز بعد با یکی از اعضاء

عمده انجمن ملاقات نمودم و به من اطلاع داد که امید مقاومت به آخر رسید و فقط مایه نجات تبریز بسته به دخالت روس و انگلیس است. هر چند که در تمام مسائل خیلی بی ملاحظه صحبت می نمود ولیکن در خصوص گندم اظهار قطعی نکرد که چقدر گندم موجود است. به من اطمینان داد که تا سه هفته دیگر گندم خواهد بود. من سؤال کردم در صورتیکه ممکن است اتباع خارجه که مایلند از شهر خارج بشوند. جواب داد که این مسئله ابداً امکان پذیر نیست. روز بعد کاغذی از طرف انجمن به من و همکار روسم رسید و در آن کاغذ نایابی گندم را توضیح داده و از ما خواهش نموده بودند که برای تسهیل آذوقه اتباع خارجه و اهل شهر چاره ای نماییم. در همین روز برای مذاکره این مطلب از ما به انجمن دعوت کردند. در آن مجلس تمام اعضاء انجمن و اجلال الملک که از طرف اعضاء صحبت می نمود حاضر بودند و اظهار داشت که مقصود از دعوت ژنرال قسولها این است که اوضاع ناگوار را خاطر نشان نموده و خواهش کنیم تا در صورت امکان خطری را که در سر راه عموم سد بسته و متصل افق ما را تهدید می کند رفع نماییم. گندم تقریباً تمام شده و غالب مردم از زور گرسنگی نزدیک به هلاکت رسیده و اشکال زیادی در محافظت شهر و نگاهداشتن اهالی تولید می شود. هر دقیقه ممکن است که اهالی ستمدیده به خانه هایی که احتمال داشتن گندم در حق آنها می رود هجوم نمایند. در این موقع یک نفر ملائی که عضو انجمن بود گفت مردم فرق مابین اشخاص نمی گذارند و در این صورت معلوم است که ضرر این اغتشاش به چه قسم اشخاص وارد خواهد آمد. از طرز حرف زدن همچو معلوم می شد که مقصود او اتباع خارجه است لیکن عموم اعضاء غیر از یک نفر این مطلب را تکذیب کردند. ما جواب دادیم که ما همیشه بیشتر از اشخاص دیگر مایل بوده ایم که این موضوع ناگوار خاتمه پذیرد لیکن ما درست نمی دانیم که چه باید کرد. اگر از طرف ملتیان پیشنهادی بشود شاید ممکن باشد ما آن پیشنهاد را به موقع اجراء بگذاریم. اجلال الملک جواب داد مقصود اینها این است که جنگ را متارکه و راه باسمنج را باز نموده تا به شهر حمل آذوقه نمایند و در این بین با آزادی طلبان سایر ولایات بتوسط نمایندگان مخصوص تحصیل رأی نموده و با شاه مذاکره کرده و از در صلح درآییم. پس از قدری مذاکره نتیجه این شد که صد و پنجاه خروار گندم همه روزه برای شهر لازم است و اگر این مقدار تحصیل بشود فقط برای اهالی صرف خواهد شد و از این گندم به قشون ملتی داده نمی شود چون گندم کافی در دست ستارخان و باقرخان موجود است.

از ما خواهش کردند تا این پیشنهاد را به سفارتین روس و انگلیس فرستاده و از آنها درخواست نماییم که به شاه در قبول کردن این مسئله اصرار نمایند و اظهار دارند که ملت آذربایجان نه بر ضد شاه بلکه برای تحصیل مشروطیت و آزادی جنگ می نمایند. ما قبول کردیم که این پیشنهادها را بتوسط سفارتین به شاه برسانیم. به آنها خاطر نشان نمودیم در صورتیکه حال شهر بر همه معلوم است احتمال داده نمی شود که شاه این خواهش را قبول نماید. پس اگر ممکن است پیشنهاد دیگری نمایند (مقصود ما تسلیم شهر بود). آنها جواب دادند که غیر از این مسئله چیز دیگری نیست. روز بعد نان خیلی کمیاب بود و در واقع غیر از اشخاص با نفوذ و کسانی که طرف توجه بودند کسی نمی توانست تحصیل

نان نماید. روز بعد هیچ از دکانهای نافوایی باز نبود و عده زیادی زن از نقاط مختلفه شهر جمع شده بودند لیکن جبراً آنها را متفرق ساختند.

در ۱۹ ماه [۳۰ فروردین؛ ۲۸ ع ۱] عده زیادی زن در صاحب‌الامر جمع شده بودند. لیکن بتوسط نطق و مواعظه یک نفر ملائی که مخصوصاً به آنجا فرستاده شده بود آنها را متفرق کردند.

در همان روز من خبردار شدم که نقشه هجوم به قنسولگری و خانه‌های اتباع خارجه کشیده شده است. پس از آنکه تلگراف ۱۹ آوریل شما رسید به انجمن اطلاع دادم که فردا پیشنهادهای شما را نزد شاه خواهند برد. این خبر تا اندازه‌ای اسباب تسکین اهالی شد. همان روز به اتباع انگلیس اطلاع دادم که خطر بزرگی سریعاً اتباع خارجه را تهدید می‌نماید و خیلی ممکن است که در همین روزها واقع بشود. نظر به امنیت قنسولخانه هر کس مایل است به قنسولخانه آمده و از حوادث آسوده بماند ولی هیچکدام از آنها قبول نکردند. لیکن در همان روز تلگرافی به وزیر امور خارجه اعلیحضرتی نمودند مشعر بر اینکه اتباع خارجه خطر بزرگ در پیش دارند و قنسولخانه مستحفظ کافی ندارد. اتباع روس در نهایت اضطراب در قنسولخانه و اطراف آن جای گرفتند.

تمام جواهرات بانک روسی را هم به قنسولخانه نقل کردند. اگر اوضاع قدری تخفیف پیدا نکرده بود احتمال قوی داشت که خانه‌های اتباع خارجه و ایرانیهای متمول را غارت نمایند. در شب ۱۹ و ۲۰ آوریل [۳۰ و ۳۱ فروردین؛ ۲۸ و ۲۹ ع ۱] نقشه کشیده شد که به اردوی صمدخان که در اطراف قراملک [= قره‌ملک؟] بود حمله نمایند لیکن بواسطه اختلاف ملت تا ۲۰ ماه اقدامی ظاهر نشد. چون دولتیان اطلاع کامل از خط حرکت ملتیان داشتند و خود را حاضر جنگ می‌نمودند لذا امید موفقیت برده نمی‌شد. دو دسته از ملتیان در تحت ریاست مستر پاسکوویل [= باسکرویل] معلم مدرسه امریکایی و مستر هوار مخبر روزنامه «دیلی نیوز» در نهایت انتظام به اردوی صمدخان حمله بردند و حرکات جسورانه نمودند ولیکن بملاحظه نامساعدتی تابینها این دو نفر وقتی که نزدیک اردو رسیدند عده کافی نداشتند. با وجود این جنگ سر گرفت و مستر پاسکوویل [= باسکرویل] کشته گردید و مستر هوار سالمأ مراجعت نمود.

روز تا شب لاینقطع دعوا بود ولی در اواسط روز معلوم شد که ملتیان در این حمله موفقیت تحصیل نکردند و ۲۰ نفر از ملتیان کشته و مجروح شد. در چهارم بعد از ظهر تلگراف جناب شما مشعر به اعلان متارکه ۶ روزه شاه رسید و فوراً قضیه را به انجمن اطلاع دادیم و از آنها خواهش کردیم که جنگ را موقوف نمایند تا نماینده نزد عین‌الدوله فرستاده و حمل آذوقه نماییم و خوب است آنها هم یک نفر نماینده برای مذاکره صلح اعزام دارند. از طرف ما ویس قسول ایستو و از طرف روس تاجر باشی نظربیک‌اوف به باسمنج رفتند و یک کاغذی از طرف قنسولگریها و یکی هم از طرف انجمن نزد عین‌الدوله بردند و از او خواهش کردند که به نمایندگان مساعدت کرده و به شهر حمل آذوقه نمایند.

(۱) این نام در تاریخ دوره مشروطه ایران هوارد - باکرویل ضبط شده است. - م.

به فاصله سه روز از طرف نمایندگان کاغذی رسید مشعر بر اینکه عین الدوله اعلان متارکه و حمل آذوقه را رسماً تکذیب نمود. لیکن بنابر اصرار ما راضی شده است که راه باسمنج را باز نماید. بعلاوه راپورت دادند هر چند که خط تلگراف مابین طهران و باسمنج کار می کرده لیکن از صبح ۲۱ ماه [یکم اردی بهشت؛ ۳۰ ع ۱] خط بریده شده است. در ظهر ۲۲ ماه اجلال الملك به ما اطلاع داد که صمدخان خطیب را تصرف نموده و از ما کسب تکلیف کرد. ما جواب دادیم در صورتیکه دولتیان ملاحظه متارکه را نکردند البته ملتیان بایستی از خود دفاع نمایند. در آخر آن روز، پس از قدری جنگ قشون صمدخان خطیب را تخلیه نمودند. در عصر آن روز خبر رسید که یک شخصی برای فقرای تبریز به اجازه عین الدوله ۲۵ خروار گندم از باسمنج بار کرده بود ولی از طرف سرکردگان دولت جلوگیری کرده و نگذاشتند که بارها به شهر برسد و اظهار کرده بودند که هنوز از شاه دستورالعملی در خصوص حمل آذوقه نرسیده است، در صورتی هم که برسد اطاعت نخواهد شد. البته نمی توان طعمه‌ای را که چندی است در سر تحصیل آن زحمت می کشند از دست بدهند. این قضیه را نمایندگان تصدیق نمودند و اطلاع دادند که مابین عین الدوله و سایر سرکردگان در این خصوص نزاع افتاده است و عین الدوله اخطار کرده که اگر اوامر مرا مخالفت نمایند مجبوراً به طهران خواهم برگشت. این مطلب را عین الدوله در کاغذ خود اطلاع داده بود.

در ۲۳ ماه [۳ اردی بهشت؛ ۲ ع ۲] از طرف دولت روس به همکار روسم اطلاع داده شد که عده‌ای قشون روس بطرف تبریز فرستاده شد و ما این مطلب را به انجمن اطلاع دادیم. عجباً ما گمان می کنیم که راه نجات تبریز منحصر به ورود قشون روس است. اهالی شهر خیلی در تنگی بودند و فقراء خسته و در کوچه‌ها افتاده و اغلب آنها جز علف خوراکی نداشتند. در ۲۴ ماه انجمن مستقیماً با شاه شروع به مذاکره نمود و بعد از اینکه حرکت قشون روس از سرحد معلوم شد در ۲۵ ماه از طرف اعلیحضرت شاه تلگراف سختی به عین الدوله و سایر سرکردگان دولتی برای متارکه جنگ و حمل آذوقه به شهر مخابره شد. پس از آنکه تلگراف شاه به تبریز رسید هیئتی از انجمن نزد ما آمدند و سؤال نمودند که ممکن می شود قشون روس چند روزی تأخیر نمایند بلکه مذاکرات با شاه ثمره‌ای ببخشد ولی از وضع مذاکره معلوم بود که از روی حقیقت نمی توانند لزوم ورود قشون روس را تکذیب نمایند بلکه در صورت ظاهر حسب الوظیفه چیزی می گفتند.

ما جواب دادیم که مطلب ایشان را راپورت خواهیم داد لیکن در این موقع شیرازه کار از دست ما خارج شده است.

چند روز تا مدتی که آذوقه زیاد نرسیده بود اوضاع آذوقه خیلی بد بود و نان بهیچوجه پخت نمی شد لیکن احکامات شاه بزودی به موقع اجراء گذارده شد و اوضاع شروع به بهبودی نمود.

راتیسلا [راتیسلا]